

# مهمان‌داری در اسلام

نویسنده: نور مراد محمدی

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم‌السلام  
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده  
است.

## مقدمه

الحمد لله الاول فلا شيء قبله، و الآخر فلا شيء بعده، و الظاهر فلا شيء فوقه،  
والباطن فلا شيء دونه،<sup>(1)</sup> و الصلاة و السلام على رسوله و آله الطاهرين.  
اصولا هر آنچه در جامعه بشری از ارزش و اهمیت و الایمی برخوردار  
است، اندیشه‌ای است که ریشه در اعتقادات، سنت‌ها و باورهای مردم دارد و در  
بین سایر جوامع زبانزد عام و خاص است.  
آنچه موضوع بحث و مشترک بین تمامی جوامع است، مهمان‌داری است، که  
از زمان‌های بسیار دور و در میان تمام ملل و اقوام مختلف وجود داشته است و  
همه انسان‌ها با هر خصوصیت و تیره و نژادی، در هر منطقه دنیا که زندگی  
می‌کنند، این خصیصه را در جان و دلشان ثبت کرده و این کار پسندیده را ارج  
می‌نهند و به آن عمل می‌کنند.  
این خصلت بسیار خوب و نیک، با ظهور دین مقدس اسلام در بین جوامع و  
پذیرش آن از طرف مردم برای همیشه ثبت و جاودانی شد و دین مبین اسلام،  
این خصلت نیک را تایید و بر آن تاکید کرد.  
آداب و چگونگی پذیرایی از مهمان در جوامع متعدد، مختلف است و در  
هر جامعه‌ای به نوعی، از مهمان پذیرایی می‌کنند که بعضی از آن مطابق شرع  
مقدس اسلام است و برخی دیگر مخالف با فرمان‌های انسان‌ساز الهی است.  
از باب نمونه، در بعضی از جوامع غیر اسلامی بهترین پذیرایی از مهمان، این  
است که جام شرابی را به وی تعارف کنند و او نیز برای قدردانی از میزبان جام  
را سر بکشد، که این گونه پذیرایی از نظر اسلام مردود، بلکه حرام است.

خداوند تبارک و تعالی برای مهمان و میزبان ارزش زیادی قایل شده و برای آنها پاداش‌های بسیار زیادی در نظر گرفته است؛ هم برای مهمان که به خانه برادر دینی‌اش می‌رود و با او دیدار کرده و در خانه او غذا می‌خورد و هم برای میزبان که از او پذیرایی می‌کند و غذا و امکانات رفاهی را در اختیار او قرار می‌دهد اگر انسان بعد از انجام واجبات و ترک محرمات، جز مهمانداری عمل نیک دیگری را انجام نداده باشد، خداوند به واسطه همین عمل، او رابه بهشت می‌برد.

ما، در این نوشتار با عنایت به مطالب فوق و عجین شدن این سنت حسنه با آیین ناب و سرنوشت‌ساز اسلام، به بحث و بررسی درباره آیین مهمانداری پرداخته و با بیان احادیث جذاب و نورانی و ذکر حکایات و لطیفه‌های شیرین، مسایلی از قبیل فضیلت مهمانداری و ثمرات آن و همچنین وظایف مهمان و میزبان و آداب مهمانی را به طور مفصل بیان خواهیم کرد.

امیدواریم تمامی خانواده‌های عزیز و مهماندوست با رعایت دستورهای دین و عمل کردن به فرمان‌های اهل بیت اطهار علیهم‌السلام در مورد پذیرایی از مهمان، به ثمرات دنیوی و اخروی آن دست یابند و به این وسیله دنیا و آخرت خود را آباد کنند.

بنده با اطمینان عرض می‌کنم با یک بار خواندن این کتاب، مجذوب آن خواهید شد، زیرا محتوای آن پرده از سنتی زیبا و حسنه و رایج در بین هموطنان ما برمی‌دارد، که متأسفانه تاکنون کسی در این باره به تحقیق نپرداخته است.

از تمامی خوانندگان محترم و صاحب‌نظران عزیز انتظار دارم نظریات اصلاحی خویش را به نشانی ناشر ارسال دارند، تا در چاپ‌های بعدی مورد

توجه قرار گیرد. در پایان، از همسر م که با تحمل سختی‌ها و کمبودهای زندگی،  
مرا در تالیف این کتاب یاری کرد، تشکر می‌کنم. والحمد لله رب العالمین و العاقبة  
للمتقین.

تیرماه 1378

نورمیراد محمدی

## بخش اول: فضیلت مهمانداری

یکی از صفات بسیار پسندیده که اگر در هر فرد وجود داشته باشد، فضیلتی بزرگ محسوب می‌شود مهمانداری و مهماندوستی است.

تمامی پیامبران به این صفت زیبا و پسندیده آراسته بودند و یکی از صفات بارز آنان مهماندوستی بود. ما هیچ پیامبری را سراغ نداریم که از مهمان روگردان بوده باشد.

بعضی از پیامبران اگر شب در منزل مهمان نداشتند، لب به غذا نمی‌زدند و گرسنه می‌خوابیدند!

## حکایت میزبانی حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام یکی از پیامبران عظیم‌الشان بود که هیچ وقت بدون مهمان غذا نمی‌خورد و لب به غذا نمی‌زد. از قضا روزی مهمان برای آن حضرت نرسید و او گرسنه بود. از خانه به جست‌وجوی مهمان بیرون آمد. دید در صحرا جماعتی در حال سفرند.

حضرت ابراهیم علیه السلام خود را به آنها که پانزده نفر بودند، رساند و آنها را به مهمانی دعوت کرد.

آنها گفتند: ما گروهی کارگر بیچاره هستیم. هر یک از ما اطفال و عیال زیادی داریم. هر گاه خود مهمان شویم، اهل و عیال ما گرسنه خواهند ماند.

حضرت ابراهیم فرمود: اجرت عملگی شما را نیز خواهم داد. به هر حال آنها را راضی کرد و به خانه آورد و مهمان نمود.

وقتی کارگران در ضیافت شرکت کردند و اجرت هم گرفتند، با خود گفتند: حقیقتاً دین ابراهیم بر حق است؛ زیرا مهمان می‌کند و اجرت هم می‌پردازد. در همان ساعت نزد حضرت ابراهیم ایمان آوردند و به سوی خانواده خود برگشتند. <sup>(2)</sup>

## پذیرفتن دعوت مؤمنان

تمامی مؤمنان وظیفه دارند در حد توان، دیگران را به مهمانی دعوت کنند و اگر کسی آنها را به مهمانی دعوت کرد، بپذیرند؛ هرچند مسافت دور باشد و مشقت داشته باشد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: به حاضران و غائبان اتم وصیت می کنم: دعوت برادر مسلمان خود را اجابت کنند؛ حتی اگر مسافت آن پنج میل باشد، چون این عمل جزء ایمان شما است. (3)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: یکی از حقوق مؤمن بر برادر مؤمنش این است که دعوت او را اجابت کند. (4)

نپذیرفتن دعوت برادر مؤمن ظلم و پایمال کردن حق او است، در حالی که ادای حقوق برادر مؤمن واجب است و انسان فردای قیامت باید جوابگو باشد.

رسول خدا ﷺ می فرماید: اگر شخصی برادر دینی اش را به غذایی دعوت کند و او نپذیرد، در حق او ظلم کرده است. (5)

وقتی کسی رسول گرامی اسلام را به مهمانی دعوت می کرد، می پذیرفت و به مهمانی می رفت؛ حتی اگر میزبان او غیرمسلمان بود، و از این راه مردم را ارشاد می کرد و به دین اسلام دعوت می فرمود.

## حکایت دعوت به دین در مهمانی

در زمان رسول خدا ﷺ در میان مشرکان شخصی به نام «عقبه» بود. وی مردی سخی و بلند نظر بود. هر وقت از سفر برمی‌گشت، سفره مفصلی ترتیب می‌داد و دوستان و بستگانش را به مهمانی دعوت می‌کرد. در همان حال که در صف مشرکان بود، دوست داشت پیامبر اکرم ﷺ را مهمان کند. او در مراجعت از یکی از مسافرت‌هایش، سفره گسترده‌ای ترتیب داد و جمعی از جمله رسول خدا ﷺ را دعوت کرد.

دعوت شدگان به خانه او آمدند و کنار سفره غذا نشستند. پیامبر اکرم ﷺ نیز وارد شد و کنار سفره نشست، ولی دست به غذا نزد.

عقبه از حضرت پرسید: چرا غذا میل نمی‌فرمایید؟!

پیامبر ﷺ فرمود: من از غذای تو نمی‌خورم، مگر این‌که به یکتایی خداوندو رسالت من گواهی دهی!

«عقبه» چون خیلی به آن حضرت علاقه داشت و نمی‌خواست کسی گرسنه از

کنار سفره او برخیزد، به یکتایی خداوند عزوجل و رسالت پیامبر اکرم ﷺ گواهی داد و به این ترتیب اسلام را قبول کرد. اما متأسفانه به خاطر همنشین بد، از دین اسلام برگشت و مرتد شد و در جنگ احد به هلاکت رسید. (6)

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: اگر مؤمنی مرا به [خوردن] شانه گوسفندی دعوت کند، دعوت او را اجابت می‌کنم، چون این عمل جزو ایمان است. (7)



## نشانه ایمان است

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: از جمله چیزهایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا علیها السلام ، تعلیم داد، این بود: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانش را اکرام کند. <sup>(8)</sup> .

وقتی انسان، این موجود ضعیف آن قدر سخاوت داشته باشد که هموعانش را دعوت کند و از حاصل دسترنجش به آنها بخوراند، خداوند تبارک و تعالی که سخی ترین بخشنندگان است، چگونه فردای قیامت با مهمانانش رفتار خواهد کرد.

## حکایت ملکشاه و روستایی

آورده‌اند: روزی ملکشاه آلب ارسلان به شکار رفته بود. به دهی از نواحی نیشابور رسید و گرسنگی بر وی غالب شد، مردی را دید که کشت خود را آب می‌داد.

نزدیک رفت و پرسید: ای روستایی! آیا آب ونان همراه داری؟

کشاورز گفت: دارم، ولی نه برای تو!

سلطان گفت: یاوه مگوی! اگر داری دو سه تا به من بده.

روستایی جواب داد: یاوه تو می‌گویی که به من می‌گویی نان بده!

سلطان دانست سختی و درشتی در وی تاثیر ندارد. از این رو کارد خود را از

میان باز کرد و گفت: این را بگیر و چند عدد نان بده.

روستایی گفت: به دکان طبّاخ ببر که اگر من از سر کشت بروم و فرار کنم، از

کجا مرا می‌یابی؟!

سلطان گفت: این کارد را به تو می‌بخشم.

روستایی جواب داد: بهتر از این چیزی نداری که به من ببخشی؟ یادست

از سر من برداری؟!

سلطان ناراحت شد و خواست برود. روستایی عنان اسب او را گرفت و بوسه

داد و گفت: مرا ببخش، چون با تو شوخی می‌کردم! او را فرود آورد و دوید

جامی آب حاضر کرد و بره شیر مستی را ذبح کرد. آتش افروخت و کباب کرد و

برای او حکایت‌های مضحک می‌گفت و سلطان می‌خندید.

چون لشکر از دنبال او برسد، روستایی دانست او سلطان است. سر در پیش

افکند و به کار خود مشغول شد.

وقتی سلطان غذا خورد، به او گفت: باید به درگاه ما بیایی تا حق تو رابه  
جای آورم! روستایی گفت: ما در عهد سلطان جهان آسوده‌ایم و این قدر  
خدمت، ارزش ندارد کسی مکافات آن کند و ما عادت نکرده‌ایم از مهمان مزد  
بستانیم.

سلطان از آن سخن بسیار خوشش آمد و انتظار کشید تا شاید روستایی به  
خدمت او بیاید، اما خبری نشد، روستایی بعدا هم به هیچ کس نگفت سلطان  
مهمان او بوده است. <sup>(9)</sup>.

### ثواب مهمانداری نزد خدا

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: هر کس مسلمانی را سیر گرداند، جز پروردگار عالم هیچ یک از مردمان و فرشتگان مقرب و پیامبران ندانند اجر و پاداش او در قیامت چقدر خواهد بود. سپس فرمود: از جمله چیزهایی که سبب آمرزش خواهد شد، سیر کردن مسلمان گرسنه است. <sup>(10)</sup>

### حکایت مهمان نوازی بادیه نشین

ابوالحسن می گوید: روزی جمعی با امام حسن مجتبی علیه السلام به حج می رفتند و زاد و توشه آنها از پیش رفته بود. آنها گرسنه و تشنه شدند. ناگاه از دورخیمه کهنه ای را دیدند. به آن جا رفتند. زنی پیر در آن جا نشسته بود. به او سلام کردند. زن بادیه نشین پیش دوید و ایشان را اکرام کرد و گوسفندی بسته داشت. فوری آن را دوشید و شیرش را پیش مهمانان آورد و گفت: این شیر رابنوشید و گوسفند را ذبح کنید و طعام سازید. مهمانان چنان کردند و بعد از غذا به پیرزن گفتند: ما از طایفه قریشیم. وقتی بازگردیم، باید به نزد ما بیایی تا پاداش احسان تو را بدهیم.

این را گفتند و حرکت کردند. شب که شد، شوهرزن از صحرا آمد و گوسفند را ندید.

زن ماجرا را به او گفت. مرد خشمگین شد و گفت: در دنیا یک گوسفند داشتی و آن را به قومی دادی که ایشان را نمی شناختی!

زن گفت: اگر ایشان را می‌شناختم، بازرگان بودم، نه میزبان. میزبان آن‌است که طعام به کسی دهد که او را نشناسد.

بعد از چند روز، زن و شوهر از محنت فقر و فاقه به مدینه رفتند. پیرزن به کوچه‌ای داخل شد. امام حسین علیه السلام کنار در منزل ایستاده بود. آن زن را شناخت و به او فرمود: ای زن! آیا مرا می‌شناسی؟

زن گفت: نه.

حضرت فرمود: من آنم که آن روز مرا به شیر و گوسفند مهمان کردی. امام به او هزار گوسفند و هزار درهم بخشید و او رانزد امام حسن علیه السلام برد. حضرت پرسید: برادرم به تو چقدر کمک کرد؟

گفت: این قدر گوسفند و درهم.

امام حسن علیه السلام دو برابر آن را به زن داد و او رابه نزد عبدالله جعفر فرستاد. او از زن پرسید: ایشان به تو چقدر دادند؟

گفت: هریک این مقدار گوسفند و درهم.

عبدالله دو هزار گوسفند و دو هزار درهم به او داد و گفت: اگر تو از اول به نزد من می‌آمدی، تو را مستغنی می‌کردم.

آن زن و شوهر به خاطر یک گوسفند که در دنیا داشتند و آن را برای مهمان ذبح کردند، با چهار هزار گوسفند و چهار هزار درهم بازگشتند. <sup>(11)</sup>.

انسان در مهمانداری و پذیرایی از مهمان نباید خساست به خرج دهد، بلکه در حد توان خود باید پذیرایی کند، چون مهمان حبیب خدا است. خدای متعال فردای قیامت به کسی که عزیزش را خدمت کرده است، آن قدر نعمت می‌دهد که تمامی مردم حسرت حال او را می‌خورند. در آن روز است که انسان افسوس

می خورد ای کاش تمام اموالم را برای مهمان خرج می کردم و تمام وقتم در پذیرایی از مهمان می گذشت، تا الآن جزو زیانکاران نباشم.

## مهمانداری در جوامع مختلف

مهمانداری و مهمان‌نوازی یکی از صفات برجسته هر خانواده، شهر و یاکشور است، وقتی کسی می‌خواهد از خوبی‌های شخصی یاد کند، می‌گوید: آدم مهمان‌نوازی است و یا می‌گوید: مردم فلان شهر، آدم‌های مهماندوستی هستند و از مهمان، خوب پذیرایی می‌کنند.

مهمان‌نوازی از سجایای برجسته اخلاقی است و ملت‌هایی که بهره‌بیشتری از این سجیه اخلاقی دارند، به آن مباهات و افتخار می‌کنند.

یکی از صفات برجسته بت‌پرستان زمان جاهلیت که اسلام نیز آن را تایید کرده و زبانه‌زد خاص و عام بوده و هست، مهماندوستی و مهمانداری آنها؛ کبوده است؛ حتی بعضی از طوایف عرب شب‌ها آتش در صحرا روشن می‌کردند تا اگر غریبه‌ای وارد منطقه‌شان شد، آتش را ببیند و به مهمانی آنها برود.

اعراب به افرادی که زیاد برای آنها مهمان می‌آمد صفاتی را نسبت می‌دادند؛ مثلاً می‌گفتند: «فلانی کثیر الرماد است» یعنی خاکستر خانه‌اش زیاد است؛ کنایه از این که چون مهمانش زیاد است، پخت و پز بسیار دارد و در نتیجه خاکستر خانه‌اش زیاد است.

یا می‌گفتند: فلانی حیاط خانه‌اش در ندارد؛ کنایه از این که چون مهمان‌زیاد به خانه‌اش رفت و آمد می‌کند، گویا برای رفاه حال مهمانان، برای خانه‌اش در نگذاشته است.

یا می‌گفتند: سگ‌های خانه فلانی زیادند؛ کنایه از این که، چون پخت و پز زیاد دارد، سگ‌ها برای چرب کردن دندان به آن جا می‌آیند. این قبیل اوصاف هنوز در بین آنها مرسوم است.

افراد غریبه‌ای که از کشورهای دیگر به مملکت ما سفر می‌کنند و این‌جارا با ممالک خود مقایسه می‌کنند، یکی از صفات برجسته مردم کشور اسلامی ما را مهمان‌نوازی می‌دانند. آری، ایرانیان چون از امامان خودسر مشق می‌گیرند و به دستوره‌ای آنان عمل می‌کنند، مهمان‌نواز هستند.

در هیچ جای کشور ما نمی‌توان شهر، روستا و حتی خانواده‌ای را پیدا کرد که از مهمان بدش بیاید. صائب تبریزی در این باره چه زیبا سروده است:

خانه‌ای از خانه آینه دارم پاک‌تر هر چه هر کس آورد، با خویش مهمانش کنم

خداوند تبارک و تعالی در حدیث قدسی می‌فرماید: ای فرزند آدم! مالی که در دست تو است، مال من است و تو هم بنده من هستی و مهمانی که برای تو می‌رسد، فرستاده من است. اگر مال مرا از فرستاده‌ام منع کنی، به بهشت من امید نداشته باش و نخواه تو را به بهشت ببرم. (12).

خانه من چون کمان پاک است از پر درآرد میهمان چون تیر در  
اسباب عیش کاشانه‌ام

«صائب تبریزی».

متأسفانه در عصر ما که عصر مادیگری است، این سنت انسانی چنان محدود شده که در بعضی از جوامع غربی تقریباً برچیده شده است. شنیده‌ایم هنگامی که بعضی از آنها به کشورهای اسلامی سفر می‌کنند و گستردگی مهمان‌داری و مهمان‌نوازی را که هنوز در خانواده‌های اصیل این مرز و بوم به صورت گرم و مملو از عواطف برقرار است می‌بینند، شگفت زده می‌شوند و با خود می‌گویند چگونه ممکن است افرادی بهترین وسایل موجود در خانه و بهترین غذاهای خود را برای پذیرایی از مهمان‌هایی که اصلاً آنها را نمی‌شناسند و یا گاهی با آنها ارتباط دارند، بگذارند.



## عمل کردن به وصیت پیامبر ﷺ است

یکی از وصیت‌های پیامبر گرامی اسلام ﷺ به حضرت علی عَلِيٍّ این بود: تو را وصیت می‌کنم به خوب همسایه‌داری و اکرام کردن مهمان و پذیرایی از آنها. <sup>(13)</sup> وصیت‌های پیامبر گرامی اسلام بر دو گونه است: یکی سفارش‌ها و وصیت‌های خصوصی است که شامل حال دیگران نمی‌شود و فقط منحصر به موضوع معینی است و دیگر وصیت‌هایی که جنبه عمومی دارد که شامل حال تمامی مؤمنان است و همه باید به آن وصایا عمل کنند تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند گردند.

یکی از مواردی که پیامبر ﷺ وصیت کرده و جنبه عمومیت دارد، مهمان‌داری است که بارها حضرت علی و فاطمه عَلِيٍّ را در جاهای مختلف به آن سفارش کرده است.

## مذمت خانه‌ای که مهمان در آن وارد نشود

اسلام خانه‌ای را که مهمان داخل آن نمی‌شود و همچنین کسی را که مهمانداری نمی‌کند و از مهمان فراری است، مذمت کرده است.

یکی از فرق‌های اساسی انسان با موجودات دیگر این است که او ممنوعان خویش را در غذا، مسکن و اموال خود شریک می‌کند، ولی موجودات دیگر مثل حیوانات، ممنوعان خود را فراری می‌دهند.

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: هر خانه‌ای که مهمان در آن وارد نمی‌شود، ملائکه نیز داخل آن نمی‌شوند. (14)

ملائکه مایه رحمت الهی هستند و با ورود آنها نعمت نیز وارد می‌شود. پس هر خانه‌ای که ملائکه در آن نمی‌آیند، نعمت و برکت نیز از آن خانه برداشته می‌شود.

گویند: روزی حضرت امیرالمؤمنین علیؑ ناراحت و غمگین بود. از او علت ناراحتی را سؤال کردند.

حضرت فرمود: هفت روز است مهمان وارد خانه من نشده است! (15)

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: بدترین غذاها، غذایی است که افراد سبزه آن دعوت شوند و افراد گرسنه از آن منع گردند. (16)

---

پی‌نوشتها:

(1) نهج البلاغه (ترجمه دکتر شهیدی)، خ 96: سپاس خدای را که اول است و چیزی پیش از او نیست، و آخر است و پس از او موجودی نیست. برتر است و از او بالاتر چیزی نیست، نزدیک است و از او نزدیک‌تر چیزی نیست.

(2) آثار و اشعار شیخ بهایی، ص 157، با اندکی تصرف.

- (3) المحاسن ، ج 2 ، ص 180 .
- (4) همان ، ج 2 ، ص 179 .
- (5) قرب الاسناد ، ص 160 .
- (6) مجمع البيان ، ج 7 ، ص 166 .
- (7) المحاسن ، ج 2 ، ص 180 .
- (8) وسائل الشيعة ، ج 16 ، ب 40 ، ص 460 .
- (9) جوامع الحكايات ، ص 211 ، با اندکی تصرف .
- (10) همان ، ص 305 .
- (11) جوامع الحكايات ، ص 213 ، با اندکی تصرف .
- (12) چهل حدیث قدسی ، ح 35 .
- (13) بحار الانوار ، ج 74 ، ص 411 ، ح 22 .
- (14) جامع الاخبار ، ص 378 ، ح 1058 .
- (15) بحار الانوار ، ج 41 ، ص 28 ، ح 1 .
- (16) كنز العمال ، ح 25881 .

## بخش دوم ثمرات مهمانداری

مهمانی و مهمانداری برکات بی‌شماری دارد، از جمله ثمرات دنیوی و اخروی. ثمرات دنیوی نصیب هر فردی اعم از مؤمن و غیر مؤمن می‌شود و هیچ‌کس از ثمرات آن بی‌بهره نمی‌ماند. اما ثمرات معنوی و اخروی مهمانداری مخصوص کسانی است که نور ایمان و ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام قلب‌های آنها را منور کرده باشد.

ما می‌توانیم با عمل کردن به دستورهای اسلام و سفارش‌های معصومان علیهم‌السلام در مورد مهمانداری این ثمرات را برای خود ذخیره کرده و دنیا و آخرت خود را آباد سازیم.

ثمرات مهمانداری عبارتند از:

## درخشش صورت

در روز قیامت هر کس هر عملی انجام داده باشد، اثر آن در چهره اونمیان خواهد شد و همه مردم او را از چهره‌اش خواهند شناخت. کسی که در دنیا مهمان‌نوازی کرده و مهماندوست بوده، در قیامت چهره‌اش مانند ماه شب چهارده خواهد درخشید و به وسیله آن وارد بهشت خواهد شد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: هیچ مؤمنی نیست که مهمان را دوست داشته باشد، مگر این‌که در روز قیامت وقتی از قبر بیرون آید صورتش مانند ماه شب چهارده بدرخشد. کسانی که او را می‌بینند، می‌گویند: آیا پیغمبر مرسلی است که این قدر نورانی است! اما در جواب آنها گفته می‌شود: او پیغمبر و نبی نیست، بلکه مؤمنی است که مهمان را دوست می‌داشته و او را اکرام کرده است و راهی برای او نیست جز این‌که داخل بهشت شود. <sup>(1)</sup>.

## بخشیده شدن گناهان و نزول نعمت

معمولا اگر کسی برادر دینی خود را زیاد دوست داشته باشد، دنبال فرصتی است که دوستی و محبت خود را به او ابراز کند.

یکی از راه‌های ابراز علاقه انسان‌ها به یکدیگر هدیه دادن است. هدیه دادن به این معنا است که من از تو کینه‌ای در دل ندارم. تو در دل من جای داری و خطاهای تو را بخشیده‌ام.

خداوند تبارک و تعالی هم اگر بنده‌ای را زیاد دوست داشته باشد و بخواهد او را ببخشد، تا با بار گناه وارد صحرای محشر نشود، از هر راهی استفاده می‌کند. یکی از این راه‌ها هدیه‌ای است که برای بنده خود می‌فرستد؛ بهترین هدیه از طرف خدا فرستادن مهمان است. مهمان هدیه‌ای است که از طرف خدا می‌آید. هدیه را باید با جان و دل قبول و از آن خوب محافظت کرد و به آن رسید.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: وقتی خداوند عزوجل خیر بنده‌ای را بخواهد، هدیه‌ای برای او می‌فرستد.

بعضی از اصحاب پرسیدند: آن هدیه چیست؟

فرمود: مهمان است، که روزی خود را می‌آورد و گناهان اهل آن خانه را با خود می‌برد. (2).

چه لطف و هدیه‌ای از این بالاتر که انسان به واسطه مهمان گناهانش آمرزیده شود و فردای قیامت بدون گناه در محضر خدا حاضر شود.

متأسفانه خیلی از خانواده‌هایی که از مهمان متنفرند، و از مهمانداری می‌ترسند، به این خاطر است که می‌گویند: خرج ما زیاد می‌شود و بچه‌های ما گرسنگی خواهند کشید! و حال آن‌که طبق روایات، مهمان علاوه بر

این که سربار صاحبخانه نیست، بلکه روزی خود و آن خانواده را به همراه می آورد و گناهان آن خانواده به واسطه مهمان بخشیده می شود.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: هیچ مؤمنی نیست که صدای پای مهمان را بشنود و به واسطه آمدن مهمان خوشحال بشود، مگر این که گناهانش آمرزیده شود؛ حتی اگر به اندازه مسافت بین زمین و آسمان باشد. <sup>(3)</sup>

## حکایت زنی که مخالف مهمان بود

آورده‌اند که در زمان رسول خدا ﷺ شخصی بسیار مهماندوست بود، ولی زنی بسیار خسیس داشت.

آن مرد از ترس اعتراض و فریاد برآوردن زن، از پذیرش مهمان بسیارکراحت داشت. از این رو برای حل این مشکل روزی خدمت حضرت رسول اکرم ﷺ رفت و کیفیت احوال و ماجرا را تعریف کرد و از ایشان راه‌چاره خواست.

حضرت فرمود: به خانه برو و به آن زن بگو: وقتی مهمان می‌آید، از لای در مهمان‌ها را مشاهده کن و هنگام بیرون رفتن مهمان به پشت‌سرایشان خیره شو و نگاه کن تا ببینی خداوند تبارک و تعالی چه خیر و برکتی در حق مهماندار عنایت کرده است.

آن مرد به خانه رفت و به زن خود گفت: امروز رسول خدا ﷺ را بادو سه نفر به مهمانی طلبیده‌ام. بنابراین توقع دارم کج خلقی نکنی و بخل رافرو گذاری. حضرت فرموده‌اند: در حال داخل شدن و بیرون رفتن مهمان، آنها را نگاه کن تا آنچه را خدای تعالی به برکت مهمانی ارزانی داشته است، ببینی.

مرد همسر خود را با هزار عجز و التماس راضی کرد و اسباب ضیافت را تهیه نمود.

چون وقت داخل شدن مهمانان شد، زن از لای در نگاه کرد و با تعجب دید در دامن مهمانان گوشت و میوه‌های بسیار است و آنان با این وضع داخل منزل شدند.



زن از دیدن این منظره بسیار خوشحال شد و چون وقت بیرون رفتن مهمانان شد، باز از همان جا نگاه کرد. دید گزنده‌ها و مار و کژدم‌های بسیار، در دامن ایشان آویخته، از خانه بیرون می‌روند.

زن تعجب‌کنان نزد شوهر آمد و گفت: هنگام ورود و خروج مهمان‌ها چنین چیزی دیدم. تعبیر آن چیست؟

مرد گفت: من دلیل آن را از رسول خدا ﷺ خواهم پرسید.

پس از این گفت‌وگو، روز بعد مرد به خدمت رسول خدا ﷺ شرفیاب شد و عرض کرد: یا رسول الله! عیال من چنین نعمت‌هایی در هنگام داخل شدن مهمانان دیده و در وقت بیرون رفتن هم مشاهده نموده است که گزنده‌ها به دامن آنها آویزانند و بیرون می‌روند!

رسول خدا ﷺ فرمود: آن نعمت‌ها برکت‌هایی است که خداوند عالم به سبب مهمانی و میزبانی ارزانی فرموده و آن گزنده‌ها، گناهان صاحبخانه است که بیرون می‌رود.

پس از آن، زن چنان راغب مهمان شد که تمام عمر در مهمانی دادن، به شوهر خود سفارش می‌کرد. (4)

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: وقتی مهمان بر قومی وارد می‌شود، روزی او از آسمان نازل می‌گردد و وقتی از غذای صاحبخانه می‌خورد، خداوند گناهان اهل خانه را به سبب نزول مهمان می‌بخشاید. (5)

رزق ما با پای مهمان می‌رسد از میزبان ما است هر کس می‌شود

خـوان غـیب مهمان مـا

«صائب تبریزی».

مراد از گناهانی که در این روایت و روایات دیگر آمده که آمرزیده می‌شوند، گناهانی است که حق‌الناس نباشند، چون حق‌الناس به هیچ عنوان آمرزیده نمی‌شود، مگر این‌که انسان آنها را جبران کند و یا صاحب آن از حق خود بگذرد و انسان را حلال کند.

با تمام این احوال که میزبان باید از مهمان پذیرایی کند، غذا و امکانات خود را در اختیار او قرار دهد، او را اکرام کند و موجب رنجش خاطر او نشود، باز هم برتری مهمان بر میزبان بیشتر است! زیرا مهمان با ورودش برای اهل خانواده دعا می‌کند و فراوانی روزی آنها را از خداوند منان می‌خواهد، در حالی که میزبان علاوه بر این‌که این ثمرات را برای مهمان ندارد، مرتب‌غر می‌زند و آه و ناله او بلند است و با خود فکر می‌کند مهمان روزی او را می‌خورد.

حسین بن نعیم صحاف می‌گوید: امام جعفر صادق علیه السلام از من پرسید: ای حسین! آیا برادران دینی‌ات را دوست داری؟  
عرض کردم: آری.

فرمود: آیا به مستمندان آنان سود می‌رسانی؟  
گفتم: آری، قربانت گردم.

فرمود: همانا بر تو لازم است که دوست داشته باشی کسی را که خدا او را دوست دارد. به خدا قسم! به هیچ‌یک از آنها سود نرسانی جز آن‌که دوستش داشته باشی. آیا آنها را به منزلت دعوت می‌کنی؟

عرض کردم: آری، غذا نمی‌خورم مگر آن‌که دو یا سه تن یا کمتر یا بیشتر از آنها همراهم باشند.

حضرت فرمود: باین حال، فضیلت آنها بر تو بیش از فضیلت تو بر آنهاست!

با تعجب پرسیدم: قربانت کردم! غذای خود را به آنها می‌خورانم و آنها را روی فرشم می‌نشانم و خدمت آنها را می‌کنم، باز فضیلت آنها بر من بیستراست؟! فرمود: آری، چون هرگاه آنها به منزلت آیند، همراه آمرزش تو و عیالت می‌آیند و چون از منزلت بیرون روند، با گناه تو و عیالت بیرون می‌روند.<sup>(6)</sup> اسلام شخصیت تازه وارد و مهمان را حفظ کرده و صریحا می‌گوید: وی سربار خانواده نیست، بلکه وی با روزی خود آمده و رحمتی است که فرستاده شده است.

همه مؤمنان باید خود را در معرض این رحمت الهی قرار دهند، تا موجب خشنودی خداوند عزیز گردند.

گر زخوان تو است نانش	هرکه را بینی به گیتی، روزی خود
یـازخوان خویشـتن	مـیـخـورد
می خورد بر خوان احسان تو نان	پس تورا منت زهمان داشت باید
خویشـتن	بهر آنـک

«ابن یمین».

مهمان راهنمای بهشت است.

رسول گرامی اسلام ﷺ می فرماید: مهمان راهنمای بهشت است. (7).

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: هر کس سه تن از مردم خداشناس را غذا دهد، خداوند تبارک و تعالی او را از سه بهشت که عبارتند از: فردوس اعلی، جنت عدن و طوبی غذا می دهد. (8).

آن حضرت در روایت شریفه دیگری می فرماید: هر کس گرسنه‌ای را سیر گرداند، خداوند برای او نهری در بهشت جاری می سازد. (9).

در سیر کردن افراد فرقی بین فقیر و غنی نیست؛ یعنی اگر کسی شخص گرسنه ثروتمندی را سیر گرداند و یا به مهمانی دعوت کند، باز همین ثواب رادارا است، زیرا در بسیاری از روایات وارد شده است: هر کس شکم گرسنه‌ای را سیر گرداند، و فرقی نگذاشته‌اند بین این که آن شخص فقیر باشد یا غنی.

امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کس شکم گرسنه‌ای را سیر گرداند، بهشت بر او واجب می شود. (10).

## جهنم بر او حرام می‌گردد

روزی شخصی بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ وارد شد و عرض کرد: یا رسول‌الله! من مردی هستم که خوب وضو می‌گیرم، نمازم را مرتب می‌خوانم، زکات مالم را به موقع می‌پردازم و با رضایت خاطر مهمان دعوت می‌کنم. حال من فردای قیامت چگونه است؟

حضرت فرمود: جهنم هیچ راهی بر تو ندارد. اگر واقعا این‌طور باشی خداوند تو را از سختی‌ها نجات می‌دهد.

## برابر با سیر کردن یکصد هزار نفر است

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس مؤمنی را طعام دهد و قصدش نزدیکی به خدا باشد، مانند کسی است که فئامی از مردم را سیر گرداند! ربعی می‌گوید: از حضرت پرسیدم: معنی «فئام» چیست؟ فرمود: یکصد هزار تن از مردم را فئام گویند. <sup>(11)</sup>

ثواب غذا دادن به برادر دینی و دعوت کردن او حتی از غذا دادن به فقرا و گرسنه بیشتر است، زیرا این کار علاوه بر این‌که عمل کردن به سفارش‌نامه اطهار علیهم السلام است، موجب می‌شود در قلوب مؤمنان الفت و نزدیکی بیشتری به وجود آید و آنها قوی‌تر گردند و در نتیجه عزت و سربلندی اسلام بیشتر شود. پس مؤمن به این طریق با یک تیر دو نشان می‌زند، در حالی که در صورت اول فقط ثواب مهمانداری را می‌برد.

برابر با نجات دادن چهارتن از اولاد اسماعیل از اسارت است

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: هر کس چهارتن از مسلمانان را اطعام کند، مانند آن است که چهار تن از اولاد اسماعیل ذبیح الله را از اسارت نجات داده است. <sup>(12)</sup> .

#### مهمان‌نوازی در بهشت

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: هر کس گرسنه‌ای را سیر گرداند، خداوند برای وی خوانی در بهشت ترتیب می دهد که همه خلائق جن و انس از سر آن سفره سیر برخیزند. <sup>(13)</sup> .

#### سیر کردن یک مؤمن بهتر از سیر کردن ده مسکین است

امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر یک برادر مؤمن را که برای خدا با اوبرادری می کنم، سیر کنم، بهتر است نزد من از آن که ده مسکین را سیر کنم. <sup>(14)</sup> .

## یکی از نشانه‌های ایمان است

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: یکی از نشانه‌های ایمان، خوش خلقی و مهمانی دادن است. <sup>(15)</sup>

یکی از دلایلی که بعضی از مهمان خوششان نمی‌آید و مهمان‌نواز نیستند، ضعف ایمان آنها است. اگر ایمان انسان قوی باشد و یقین پیدا کند فردای قیامت برای مهمانداری چه پاداشی در نظر گرفته شده است، تمام سعی و تلاش او در دنیا این می‌شود که مهمانداری کند.

## حکایت کریم‌تر از حاتم طایی

از حاتم طایی پرسیدند: آیا از خود کریم‌تر دیده‌ای؟

گفت: آری، روزی در بادیه می‌رفتم، به خیمه‌ای رسیدم. پیرزنی در آن بود و بزی در پس خیمه بسته بودند. وقتی به آن‌جا رسیدم، زال پیش من دوید و مرا خدمت کرد و عنان شتر مرا گرفت تا فرود آمدم. بعد از چند لحظه‌ای پسر او هم آمد و با بشاشتی هر چه تمام‌تر از حال‌من سؤال کرد.

زن به پسرش گفت: برخیز و به مصالح مهمان قیام نمای و وسایل پذیرایی را آماده کن و آن بز را ذبح و طعام درست کن. پسر گفت: اول بروم از صحرا هیزم بیاورم؟  
زن گفت: تا تو به صحرا بروی و هیزم آوری، دیر می‌شود. مهمان را اگر سینه داشتن از مروت دور بود!

پس دو نیزه داشت. هر دو را شکست و آن بز را کباب کرد و نزد من آورد. چون تفحص از حال آنان کردم، جز آن بز چیز دیگری نداشتند و آن را ایشار من کردند.

از زن پرسیدم: می‌دانی من کیستم؟  
زن گفت: نه، نمی‌دانم شما چه کسی هستید.  
گفتم: من حاتمم. باید به قبیله ما بیایی. در حق شما تکلیفی واجب دارم و باید حق این ضیافت را بگذارم.

زن گفت: ما جزا بر مهمانی نستائیم و نان به بها نفروشیم. و از من هیچ قبول نکردند و من دانستم که ایشان از من کریم‌ترند. <sup>(16)</sup>



## دشمنی‌ها را تبدیل به دوستی می‌کند

اگر کسی از برادر دینی‌اش کینه‌ای در دل داشته باشد و یا با او دشمنی ورزد، یکی از راه‌های بسیار خوب و مؤثر برای برقراری آشتی این است که او را به مهمانی در منزل دعوت کند، هر چند از این کار کراهت داشته باشد. به محض دعوت کردن، دشمنی و کینه‌ها تبدیل به دوستی و صداقت می‌شود و از طرفی رضایت خداوند جلب می‌شود، چون رضای خدا در این است که بین مؤمنان دشمنی نباشد و همه باهم برادر و یکدل و یک‌رنگ باشند.

## حکایت عادت ملک کرمان

آورده‌اند که ملکی در کرمان بود، در غایت کرم و مروت، عادت او چنین بود که اگر فرد غریبی به آن شهر می‌آمد، او سه روز آن فرد را مهمان خود می‌کرد و از او پذیرایی می‌نمود.

روزی لشکر عضدالدوله به کرمان حمله کرد و آن ملک طاقت مقاومت با ایشان را نداشت. لذا در دژی رفت و هر روز صبح که می‌شد، بیرون می‌آمد و جنگ سختی با آنها می‌نمود و عده‌ای را می‌کشت. اما شب که می‌شد، مقدار زیادی غذا و میوه جات برای آنها می‌فرستاد، به اندازه‌ای که تمام لشکر دشمن سیر می‌خوردند.

عضدالدوله از این کار تعجب کرد و یک نفر را مخفیانه پیش او فرستاد، و پرسید: این چه کاری است که تو می‌کنی؟ روز آنها را می‌کشی و شب به آنها غذا و امکانات می‌دهی!

ملک در جواب گفت: جنگ کردن اظهار مردی است و نان دادن اظهار جوانمردی. ایشان اگرچه دشمن من هستند، اما در این ولایت غریبانند و چون غریب باشند، مهمان ما هستند و از جوانمردی نیست که مهمان را بی غذا گذاشت.

عضدالدوله با خود گفت: کسی که چنین با مروت و جوانمرد است، جنگ کردن ما با او اشتباه است. لذا از اطراف دژ برخاست و آن ملک به خاطر مهمانداری نیکو از شر دشمن خلاصی یافت. <sup>(17)</sup>.

## مهمان‌نواز در امنیت است

دین مقدس اسلام برای افراد مهمان‌نواز هر عقیده و مسلکی که داشته باشند اهمیت زیادی قایل است و به آنها احترام ویژه‌ای می‌گذارد؛ هرچند که اهمیت و احترام گذاردن برای منحرفان و کفار، فقط در دنیا است و در آخرت هیچ بهره‌ای ندارند و تنها ثمرات دنیوی مهمانداری شامل حال آنها می‌شود، اما همین مقدار که امتیازات زیادی شامل حال آنها می‌شود و نسبت به دیگران برتری دارند، اهمیت مهمان‌نوازی را می‌فهماند.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: روزی عده‌ای از اسیران را خدمت‌رسول اکرم صلی الله علیه و آله آوردند تا آنها را به خاطر جنایات و خیانت‌هایی که کرده بودند، به قتل برسانند.

مردی از آنها را پیش آوردند تا حکم اعدامش را اجرا کنند. در این هنگام جبرئیل از طرف خداوند بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: اعدام این شخص را به تاخیر اندازید!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وی را برگرداند و پس از اجرای حکم اعدام درباره سایر رفقایش وی را طلبید و با او صحبت کرد.

در این هنگام باز جبرئیل علیه السلام نازل شد و عرض کرد: خداوند می‌فرماید: این مرد دیگران را اطعام می‌کرد و مهمان‌نواز بود و در ناملایمات صبر می‌کرد، وی را عفو نما.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را به برکت این فضیلت بزرگ و ارزشمند آزاد فرمود.

آن مرد وقتی علت آزادی خود را فهمید، تعجب کرد و اسلام آورد و سپس گفت: قسم به پروردگاری که تو را به نبوت برگزیده است! هیچ‌گاه کسی را از مال خویش محروم نگردانیدم. (18)

### برابر با آزاد کردن یک بنده در راه خدا است

شخصی خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رسید و سؤال کرد: چه عملی ثوابش مساوی با آزاد کردن یک بنده است؟

حضرت فرمود: غذا دادن به یک شخص مسلمان مؤمن. (19)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر مؤمنی را اطعام کنم، نزد من بهتر است از این‌که به دیدارش بروم، و اگر به دیدارش بروم، نزد من بهتر و محبوب‌تر است از این‌که ده بنده را آزاد کنم. (20)

نصر بن قابوس می‌گوید: روزی نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودیم. آن حضرت فرمود: طعام دادن به یک مؤمن نزد من محبوب‌تر است از آزاد کردن ده بنده و گزاردن ده حج!

عرض کردم: ده بنده و ده حج؟!

فرمود: ای نصر! اگر شما طعامش ندهید، می‌میرد یا زبون می‌شود، زیرا او از فشار گرسنگی نزد ناصبی‌ها و دشمنان ما می‌رود و از آنان درخواست می‌کند و مردن برایش بهتر از درخواست کردن از ناصبی است.

ای نصر! هر که مؤمنی را زنده کند، مثل این است که همه مردم را زنده کرده است. اگر به او طعام ندهید، او را کشته‌اید و اگر اطعامش کنید، او را زنده کرده‌اید. (21)

و نیز آن حضرت فرمود: اگر پنج درهم بگیرم و به بازار شما درآیم و طعامی بخرم و چند نفر از مؤمنان را گرد آورم، نزد من محبوب تر است از این که بنده‌ای را آزاد کنم. (22).

### در خانه او برکت می آید

امام صادق علیه السلام می فرماید: همانا خداوند عزیز و جلیل غذا دادن در راه خودش را دوست دارد و کسی را که در راه او به مردم غذا می خوراند، دوست دارد و برکت در خانه او سرعت می گیرد، سریع تر از پرنده‌ای که به لانه می رود. (23).

---

پی نوشتها:

- 1) مستدرک الوسائل، ج 16، ب 33، ص 257.
- 2) همان، ح 4.
- 3) همان، ح 5.
- 4) آثار و اشعار شیخ بهایی، ص 156.
- 5) وسائل الشیعه، ج 16، ص 459، ح 6.
- 6) اصول کافی، ج 3، ص 289، ح 8.
- 7) مستدرک الوسائل، ج 16، ب 33، ص 157.
- 8) ثواب الاعمال، ص 305.
- 9) همان، ص 408.
- 10) همان، ص 409.
- 11) همان، ص 304.
- 12) همان، ص 206، ح 3.
- 13) همان، ح 2.
- 14) حلیة المتقین، ص 60.

- (15) بحار الانوار ، ج 71 ، ص 392 ، ج 56 .
- (16) جوامع الحکایات ، ص 214 ، با کمی تصرف .
- (17) همان ، ص 216 ، با اندکی تصرف .
- (18) فروع کافی ، ج 1 ، ص 176 .
- (19) اصول کافی ، ج 3 ، ص 290 ، ح 16 .
- (20) همان ، ص 291 ، ح 18 .
- (21) همان ، ص 291 ، ح 20 .
- (22) همان ، ص 291 ، ح 15 .
- (23) بحار الانوار ، ج 74 ، ص 368 ، ح 55 .

## بخش سوم: وظایف میزبان

در مهمانی و مهمانداری، مهمان و میزبان وظایفی نسبت به یکدیگر دارند که باید آنها را مراعات کنند. بعضی از این وظایف برای راحتی حال مهمان و میزبان است و بعضی به خاطر زیاد شدن ثواب مهمانداری و مهمانی رفتن است. دین مقدس اسلام سفارش مؤکد به مهمانداری و مهمان‌نوازی کرده و وظایفی را معین کرده است که ائمه اطهار علیهم‌السلام این وظایف را بیان کرده‌اند. ما می‌توانیم با عمل کردن به آنها به ثواب‌های بسیار زیادی برسیم و به این وسیله دنیا و آخرت خود را آباد کنیم.

اما وظایفی که مخصوص میزبان و مهماندار است، عبارتند از:

## به کار نگرفتن مهمان

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: یکی از وظایف میزبان این است که مهمان را به کار نگیرد. به کار گرفتن مهمان جفا و ظلم در حق او است. <sup>(1)</sup>

متأسفانه یکی از عادات بد عده‌ای از مردم این است که وقتی برای آنها مهمان می‌رسد، از فرصت استفاده کرده و او را به کار می‌گیرند و تا جایی که ممکن باشد، از او کار می‌کشند در حالی که این عادت کاملاً مخالف دستور و شؤونات اخلاقی ائمه اطهار علیهم السلام و علمای دین است.

روزی برای حضرت امام رضا علیه السلام مهمان رسید. حضرت نزد او نشست و بعد از شام تا نیمه شب با او صحبت کرد و صحبت‌های او را شنید. در این هنگام چراغی که در آن جا روشن بود، خراب شد و نزدیک بود خاموش شود. مهمان دستش را دراز کرد تا آن را درست کند. امام رضا علیه السلام او را نهی کرد و نگذاشت مهمان این کار را بکند و خود چراغ را درست کرد و فرمود: ما قومی نیستیم که مهمانمان را به کار گیریم و از او کار بکشیم. به همین خاطر نگذاشتم تو چراغ را درست کنی. <sup>(2)</sup>

در جایی که امام علیه السلام راضی نمی‌شود مهمانش حتی برای تعمیر کردن یک چراغ به زحمت بیفتد و خودش این کار را می‌کند، ما هم که شیعه‌آن حضرت هستیم، باید به دستور آن بزرگوار عمل کرده و مهمانانمان را به کار نگیریم.

ابن ابی‌یعفور می‌گوید: روزی دیدم برای امام صادق علیه السلام مهمان رسید. در همان شب آن شخص برخاست که بعضی از کارها را انجام دهد و زحمتی را از دوش امام علیه السلام بردارد. وی می‌خواست به این وسیله به حضرت خدمت کرده باشد.



امام عَلَيْهِ السَّلَامُ تا به این قضیه پی برد، او را نهی کرد و نگذاشت کاری انجام دهد، و خود بلند شد و کارها را انجام داد و فرمود: پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نهی کرد از این که کسی مهمان را به کار گیرد. <sup>(3)</sup>.

## غذا خوردن با مهمان

یکی از وظایف اخلاقی میزبان این است که همراه مهمانانش غذا بخورد و از غذا دست نکشد تا همه مهمانها سیر شوند و کنار بکشند، زیرا ممکن است بعضی از مهمانها کمرو باشند و در صورت غذا نخوردن صاحبخانه، آنان هم غذا نخورند و یا هنوز سیر نشده، دست از غذا خوردن بکشند.

علت دیگر این است که مهمان فکر بدی درباره غذا نکند. چون اگر صاحبخانه غذا نخورد، ممکن است مهمان فکر کند غذا دارای اشکالی بوده یا عیب و ایرادی داشته که میزبان همراه مهمان غذا نخورده است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: وقتی مهمانی برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می رسید، همراه او غذا میل می کرد و دست از غذا نمی کشید تا مهمان سیر می شد و کنار می کشید. <sup>(4)</sup> غذا خوردن با مهمان علاوه بر این که موجب نزدیکی دل های مؤمنان می شود و سوء ظن ها را از بین می برد، موجب رضایت و دوستی خدا و رسول می شود و این پاداشی بسیار بزرگ است.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: هر کس دوست دارد خدا و رسولش او را دوست داشته باشند، با مهمانش غذا بخورد. <sup>(5)</sup>

و نیز می فرماید: هر کس غذایش را با مهمانش بخورد، تمام حجاب های ظلمانی بین او و خدا از بین می رود. <sup>(6)</sup>

## حکایت غذا خوردن حضرت علی علیه السلام با مهمانانش

روزی عده‌ای دزد را نزد حضرت علی علیه السلام آوردند تا حکم شرعی را درباره آنها به اجرا در آورد.

حضرت بعد از اجرای حکم شرعی و قطع کردن انگشتان آنها فرمود: حال داخل مهمانسرا شوید، و به یکی از اصحاب دستور داد که دست آنها را معالجه کند و به آنها روغن و عسل و گوشت خورانید تا این‌که بعد از چندروزی خوب شدند.

روزی حضرت آنها را به خانه خود دعوت کرد و فرمود: دست‌های شما زودتر از خودتان به آتش جهنم سبقت گرفتند. حال اگر خودتان می‌خواهید نجات پیدا کنید، توبه کرده و از این غذا بخورید.

بعد از حاضر شدن غذا، حضرت دستش را به بهانه درست کردن چراغ‌دراز کرد و آن را خاموش نمود و بعد آن را به حضرت زهرا علیها السلام داد و فرمود: روشن کردن آن را به تاخیر بینداز تا مهمان‌ها خوب غذا بخورند، بعد که تو را صدا زدم، آن را بیاور!

حضرت کنار مهمان‌ها در تاریکی نشست و بدون این‌که غذا میل کند، دهان مبارکش را می‌جنباند. مهمان‌ها فکر می‌کردند در حال خوردن است. و آنها هم تا آخر غذا را خوردند و سیر شدند و دست از غذا خوردن کشیدند.

حضرت علی علیه السلام وقتی فهمید مهمان‌ها دست از غذا خوردن کشیده‌اند، حضرت زهرا علیها السلام را صدا زد و فرمود: زهرا جان! پس این چراغ چه شد، چرا آن را نمی‌آوری؟

حضرت زهرا علیها السلام چراغ را روشن کرد و آن را آورد. وقتی در روشنایی به سفره نگاه کردند، دیدند تمام غذا باقی است و چیزی از آن کم نشده است! امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مهمان‌ها گفت: چرا غذا میل نکردید؟! عرض کردند: ما غذا خوردیم و سیر شدیم، ولی خدای عزیز به غذای شما برکت داده است.

بعد حضرت علی علیه السلام از آن غذا میل کرد و سیر شد. حضرت زهرا و حسنین علیهم السلام نیز غذا خورده و سیر شدند. از آن غذا به همسایه‌ها هم دادند، در حالی که غذا همچنان باقی بود و از آن کم نمی‌شد.

صبح که شد حضرت علی علیه السلام خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی چشمش به علی علیه السلام افتاد، در حالی که لبخند شادی بر لب داشت، فرمود: خداوند تبارک و تعالی از کاری که دیشب کردی، خشنود شد و به خاطر این که چراغ را خاموش کردی و غذا نخوردی تا مهمان‌ها سیر شوند، به غذای تو برکت داد، به طوری که هر چه از آن مصرف می‌کردید، چیزی کم نمی‌شد.

علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله! کی تو را خبر داد؟! حضرت فرمود: جبرئیل علیه السلام این آیه را در شان تو از طرف خدا بر من خواند: ( **وَيُؤْتُونَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ...** ) . (7)

علت تاکید ائمه اطهار علیهم السلام به غذا خوردن با مهمان این است که بعضی از مهمان‌ها کمرو هستند و به همین خاطر غذا نمی‌خورند مگر این که ابتدا میزبان شروع به خوردن کند، و اگر او زود دست از غذا خوردن بکشد، آنها نیز دست از غذا خوردن می‌کشند، هر چند سیر نشده باشند.

دین مبین اسلام برای حل این مشکل سفارش کرده خوب است میزبان قبل از همه شروع به خوردن کند و بعد از همه دست از غذا بکشد تا کسی گرسنه نماند. امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی با عده ای غذا میل می کرد، اولین کسی بود که شروع به خوردن می کرد و آخرین کسی بود که دست از غذا خوردن می کشید. (8)

امام کاظم علیه السلام می فرماید: وقتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله مهمان می رسید، همراه او غذا می خورد و دست از غذا نمی کشید تا غذای مهمان تمام می شد. (9)

شایان ذکر است غذا خوردن مهمان با میزبان عمومیت ندارد، یعنی این که در زمان ها و اماکن عادات و رسومات مختلف است. ممکن است در زمانی برای مراعات حال مهمان غذا خوردن با او بهتر باشد، اما در زمان و یا مهمان دیگر غذا نخوردن بهتر باشد. لذا در مورد اول باید با مهمان غذا بخورد و در مورد دوم خوب است او را تنها گذاشت، تا غذایش را میل کند.

هر طور که مهمان راحت باشد و در سختی قرار نگیرد، اسلام دستور داده است همان طور با او رفتار کنیم.

## غذا را هر چه زودتر برای مهمان آماده کند

مهمان وقتی از راه می‌رسد، مخصوصاً اگر مسافر باشد، غالباً خسته و گرسنه است. هم نیاز به غذا دارد و هم استراحت. لذا باید هر چه زودتر غذای او را آماده کنند تا بتواند استراحت کند. برای این کار لازم نیست غذای مفصل درست کنند، بلکه هر غذایی که آماده و دم دست باشد، برای او فراهم آورند.

یکی از روش‌های بسیار پسندیده حضرت ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام همین بود که غذای مهمان را خیلی زود آماده و نزد او حاضر می‌کرد، بدون این‌که تکلفی به خرج داده و خود را به زحمت بیندازد؛ مانند روزی که ملائکه عذاب قوم لوط عَلَيْهِمُ السَّلَام به منزل او وارد شدند. حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام فکر کرد آنها انسان هستند. لذا خیلی زود گوساله‌ای را که دم دست داشت ذبح و بریان کرد و نزد آنها آورد. بعدا فهمید آنان ملائکه هستند و غذا نمی‌خورند (فَمَا لَيْتَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ) <sup>(10)</sup> چیزی نگذشت که گوساله‌ای را بریان کرده، نزد آنها آورد).

## خود را به زحمت نیندازد

مهمان دو گونه است: مهمانی که بدون اطلاع و دعوت قبلی به خانه کسی می‌رود و دیگری که با اطلاع و دعوت به مهمانی می‌رود و به منزل برادر مؤمنش وارد می‌شود.

میزبان در مورد اول لازم نیست برای تهیه غذا و پذیرایی از مهمان، خود را به زحمت بیندازد، بلکه هر غذایی که آماده داشت، برای او حاضر کرده و به این وسیله از او پذیرایی کند.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی برادر مؤمنت به مهمانی تو آمد، آنچه غذا حاضر داری، برای او بیاور. اما اگر او را دعوت کردی، آنچه درتوان داری، برای او حاضر و به این وسیله از او پذیرایی کن. <sup>(11)</sup>

هر کس به خوان قسمت خود رزق از کم بضاعتی خجل از میهمان

می‌خورد مبی‌اش

«صائب تبریزی».

در این مورد هم هیچ فرقی بین مهمانان نیست. مهمان هر کس که باشد، دستور اسلام این است که انسان نباید خود را به خاطر او به زحمت بیندازد.

## حکایت پذیرایی اعرابی از خلیفه

روزی خلیفه مهدی عباسی، به شکار رفته و از لشکر دور افتاده بود. همچنان که حیران و سرگردان در صحرا می‌گشت، ناگاه به خیمه اعرابی بادیه‌نشین رسید. هوا گرم و خلیفه تشنه و گرسنه بود. خلیفه به خیمه اعرابی وارد شد و روبه او کرده، پرسید: ای اعرابی! آیا مهمان می‌خواهی؟

اعرابی گفت: می‌خواهیم، اگر به آنچه هست، قانع شوی و عیب‌نگیری! خلیفه گفت: قبول است. حال برو و آنچه حاضر است، بیاور.

اعرابی مقداری ماست و نان داشت. آورد و خلیفه میل کرد. بعد گفت: ای اعرابی! غذای خوبی بود. دیگر چه داری؟

اعرابی کوزه آبی داشت. پیش آورد و قدحی پر کرد و به خلیفه داد. خلیفه نوشید. آن‌گاه به اعرابی گفت: آیا مرا می‌شناسی؟

اعرابی گفت: خیر، شما را نمی‌شناسم. خلیفه گفت: من از خواص امیرالمؤمنین مهدیم!

اعرابی گفت: شاید راست بگویی.

خلیفه قدحی دیگر نوشید و گفت: من از جمله سپهسالاران امیرالمؤمنین مهدیم!

اعرابی با شنیدن این حرف کوزه را از پیش او برداشت و سر کوزه را محکم کرد و یک سو نهاد.

مهدی پرسید: چه می‌کنی؟!

گفت: و الله دیگر آب به تو نمی‌دهم. وقتی قدح اول را نوشیدی، ادعا کردی از نزدیکان خلیفه‌ای. دوم را که خوردی، گفتی سپهسالاری. قدح سوم را



که بخوری، دعوی خلافت می‌کنی، و اگر چهارم را بخوری، دعوی نبوت می‌کنی و می‌گویی محمد رسول الله ام و همی ساعت فرشتگان در آیند و مرا به زحمت اندازند! مهدی از این سخن بسیار خندید و بعد از ساعتی لشکر و خدم او آمدند و اعرابی را جایزه زیادی داد. (12).

خنده رویی میهمان را گل بجیب تنگ خلقی کفش پیش پای  
افشاندن است مهمان مانند است  
«صائب تبریزی».

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: خود را به خاطر مهمان به زحمت نیندازید، زیرا این کار موجب ناراحتی مهمان می‌شود و کسی که مهمان را ناراحت کند، خدا را ناراحت کرده است و کسی که خدا را ناراحت کند، خدا او را [به عذاب در جهنم] ناراحت می‌کند.

در روایت آمده است: عده‌ای به مهمانی حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَام رفتند. حضرت مقداری باقلا از مزرعه خود چید و با کمی نان خشک برای آنها آورد و فرمود: اگر خداوند افرادی که خود را به خاطر مهمان به سختی می‌اندازند، لعنت نکرده بود، من خود را به خاطر شما به زحمت می‌انداختم.

میزبان در پذیرایی از مهمان باید طوری رفتار کند که مهمان احساس مزاحمت نکند و اگر بداند میزبان برای پذیرایی از او به زحمت می‌افتد و به وسیله قرض گرفتن و مشقت زیاد لوازم پذیرایی را آماده می‌کند، این کار موجب دل‌سردی او شده و برای رفع مزاحمت سعی می‌کند کمتر به دیدن و مهمانی بیاید. این کار موجب دوری مؤمنان از یکدیگر شده و اتحاد و دوستی میان آنها رو به سردی می‌گراید. اما اگر تشریفاتی نباشد و میزبان از آنچه خود و خانواده می‌خورند، بدون تکلف برای مهمان نیز بیاورد، دیگر او نیز احساس مزاحمت و سربار بودن

نمی‌کند و دفعات بعد نیز به دیدن میزبان خواهد آمد و دوستی میان آنها بیشتر خواهد شد.

### حکایت مهمانی دادن دو دوست

گویند در زمان‌های قدیم دو نفر بودند که رفاقت و صمیمیت آنها زبانزد خاص و عام بود و خیلی با صداقت رفتار می‌کردند.

روزی یکی از آن دو دوست به مهمانی دوست خود رفت. میزبان در ضیافت او تکلف کرد و انواع غذاها را آماده کرد و اگر پول نداشت، از مغازه‌ها نسیه گرفت، تا به مهمان خوش بگذرد.

بعد از سه روز مهمان عزم رفتن کرد، و وقت خدا حافظی گفت: واقعا که رسم مهمانداری را بلد نبودی! اگر زمانی به مهمانی من بیایی، به تو آیین مهمانداری را یاد می‌دهم.

میزبان خجل شد و اندیشید در ضیافت او چه کوتاهی کرده و کدام نکته رافرو گذاشته و انجام نداده‌ام.

مدتی در این اندیشه بود تا این که روزی او را بدان شهر دوست‌سفری اتفاق افتاد و به خانه دوستش رفت.

آن دوست مقدم او را عزیز داشت و فوراً نان و سرکه پیش آورد. آن‌گاه سفره، کاسه‌ای چوبی و سه نوع خوردنی پیش او نهاد.

مهمان با خود فکر کرد شاید فردا تکلف می‌کند و پذیرایی اصلی را انجام می‌دهد، اما روز دیگر نیز غذای سرد پیش او نهاد!

مرد متحیر شد و با خود گفت: چندان که تکلف کردم، در مهمانداری مرامقصر خواند، پس چرا خود تکلف نمی‌کند؟

روزی پرده حشمت از میان برداشت و شرم و خجالت را به کناری نهاد و از او پرسید: دوستان این طور مهمانداری می کنند؟!

میزبان گفت: آری، تکلف مال بیگانگان است. وقتی من به منزل تو آمدم، خواستم یک ماه تو را ببینم و در خدمت تو باشم. چون طریق تکلف پیش داشتی، دانستم از وجود من به تنگ آمده‌ای. پس کفش در پای کردم و از خدمت تو دور شدم. و چون تو آمدی، من از معمول خویش زیادت نمی‌کنم و زیاده‌روی نمی‌نمایم، و بر وجود تو منتی نمی‌نهم، و اگر یک سال هم مهمان من باشی، مرا هیچ بار گرانی نخواهد بود.

مرد عاقل بود و انصاف بداد و یقین کرد تکلف کردن با مهمان از عادت کرام نیست، و روی ترش کردن با مهمانان جز سیرت لئیمان نباشد. (13).

میزبان نباید آنچه را برای مهمان حاضر می‌کند، کم و حقیر شمارد و آن را در شان مهمان نداند، چون در این صورت نعمت خدا را ناچیز شمرده و این خود نعی ناسپاسی است.

اگر انسان برادر دینی‌اش را دعوت کرد، باید تا توان دارد، از او پذیرایی کند و وسایل رفاه و آسایش او را فراهم نماید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر کسی هزار درهم را صرف طعامی کند و مؤمنی از آن بخورد، اسراف نکرده است. (14).

اسراف آن است که کسی غذایی درست کند و بدون این‌که خورده شود، آن را دور بریزد، اما اگر غذایی گران قیمت درست کند که خود و خانواده‌اش یا مؤمنی از آن بخورند، اسراف نیست. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: از غذاهای حلال بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید، هر نوع غذایی را این‌آیه در بر می‌گیرد، مگر غذاهای حرام یا شبهه ناک را.

متاسفانه عده‌ای از افراد پولدار و ثروتمند، تحت عنوان مهمانی و پذیرایی از مهمان، اسراف می‌کنند و به عنوان عمل کردن به دستور اسلام، اسلام را بد نام کرده و دستورهای دینی را مسخره نموده، آبروی اسلام را برده و مایه‌ننگ اسلام شده‌اند.

عده‌ای از فرمانروایان با این بهانه، بیت المال را به باد فنا داده و حق فقرا را از بین برده‌اند.

### نباید از مهمان پرسید غذا خورده است یا نه

یکی دیگر از وظایف میزبان این است که بدون این‌که از مهمان سؤالی کند، هر غذایی را که در خانه داشت، برای او بیاورد تا میل کند و اگر غذا نخورد، آن را بردارد، چون بعضی از مهمان‌ها کمرو هستند، و اگر از آنها پرسیده شود غذا خورده‌اند یا نه، می‌گویند: آری، در حالی که ممکن است بسیار هم گرسنه باشند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی برادر مؤمنی به خانه‌ات آمد، از او می‌پرس چیزی خورده یا نه. هرچه حاضر داری، نزد او بیاور، که جواد و جوانمرد کسی است که هر چه دارد، حاضر سازد. (15)

درباره حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم آمده است: وقتی ملائکه می‌خواستند عذاب را بر قوم لوط نازل کنند، اول به خانه حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند، و حضرت بدون این‌که از آنها سؤال کند غذا خورده‌اند یا نه، گوساله‌ای را برای آنها بریان کرد و نزد آنها حاضر نمود.

اگر حضرت ابراهیم علیه السلام ابتدا می‌پرسید غذا خورده‌اند یا نه، دیگر غذا درست کردن معنا نداشت؛ پس معلوم می‌شود حضرت به وظیفه خود عمل کرده است.

## حکایت عرب جوانمرد

هنگامی که عبدالله بن عباس نابینا شد، از مدینه به شام رفت و غلامی به نام خشم همراه او بود.

روزی در اثنای راه باران گرفت. عبدالله گفت: ای غلام! بین در این نزدیکی پناهگاهی هست و خیمه‌ای می‌بینی!

غلام گفت: خیمه‌ای می‌بینم، و عبدالله را بدان سو برد. پیرزنی از خانه بیرون آمد و عبدالله را در گوشه‌ای جای داد. وی بزکی در خیمه داشت. در این اثنا شوهرش رسید و بر عبدالله سلام کرد.

شوهر به زن گفت: زود این بز را بیاور تا برای مهمان ذبح کنیم.

زن گفت: این بز سبب معاش ما است. اگر برای مهمان بکشیم، خواهیم مرد. پیرمرد جواب داد: مرگ نزد من از زندگانی ناجوانمردانه بهتر است، که مهمان گرسنه در خانه من بماند. کارد را از زن گرفت و بز را ذبح کرد و بریان نمود و نزد عبدالله آورد.

بامداد روز دیگر که ابن عباس اراده رفتن نمود، به غلام گفت: آن زرهای نقد را که داری، به این پیرمرد بده!

غلام گفت: اگر بهای ده گوسفند به او بدهی، کافی است.

عبدالله جواب داد: زرها را به او بده، که هنوز از ما سخی‌تر است، زیرا ماغیر از این، اسباب و اموال دیگری داریم، ولی او به جز آن بز که برای ما کشت، چیز دیگری ندارد. (16).

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: وقتی برادر مؤمنت بر تو وارد شد، غذانزد او بیاور. اگر نخورد، به او آب بده و اگر ننوشید، به او بگو [یا آن آب] وضو بگیرد. (17).

کسی که برادر مؤمنش را دعوت می کند، باید خود را برای پذیرایی از چند نفر دیگر هم آماده کند، چون ممکن است آن شخص، فرزند، برادر و یار فقیق خود را نیز به همراه بیاورد، مخصوصا اگر مهمان فردی صاحب منصب باشد که در این صورت چند نفر دوست و آشنا هم به همراه خواهد آورد و میزبان باید خود را برای پذیرایی از همه آنها آماده کند.

## حکایت مهمانی کریمان

شیخ احمد خضرویه، روزی به عیال خود گفت: می‌خواهم فلانی را که از معارف شهر است، مهمان کنم.

زن گفت: او مردی بزرگ است. ما اسباب ضیافت او را از کجابه دست آوریم؟ چون اگر بخواهی او را دعوت کنی، باید گاو، گوسفند و الاغی را ذبح کنی! احمد پرسید: علت کشتن گاو و گوسفند را می‌دانم، اما حکمت کشتن الاغ چیست؟!

زن گفت: چون کریمان و بزرگان دست در نمک که زنند، واجب است سگان محله را نیز دندان‌چرب کنند! <sup>(18)</sup> .

همراه آوردن دیگران در صورتی درست است که میزبان راضی باشد و اگر میزبان راضی نباشد مهمان کس دیگری را به همراه بیاورد، این کار شرعا حرام است.

## بدرقه کردن مهمان تا در منزل

خوب است میزبان مهمان را تا در منزل بدرقه کند و ضمن خداحافظی، از توفیق میزبان بودن اظهار خوشحالی کند و آرزو کند مهمان دوباره به منزل آنها بیاید تا صمیمیت آنها زیادتیر شود.

رسول خدا ﷺ می فرماید: یکی از حقوق مهمان بر میزبان این است که همراه او برود، تا از منزل خارج گردد. (19).



## یاری کردن مهمان به هنگام آمدن

استقبال از مهمان و خوشامدگویی به او یکی از رسوم پسندیده است. استقبال از مهمان و به پیشواز او رفتن و گرفتن لوازم و اسباب شخصی او و رو به رو شدن با خنده و خوشرویی نوعی امر به معروف است، که مهمان نیز تشویق شود با دیگران همین رفتار را داشته باشد و دیگران را به مهمانی دعوت کند. هنگامی که مهمان می‌خواهد مهمانی را ترک کند، میزبان خود را خوشحال نشان ندهد، اما زاد و راحله راه را برای مهمان فراهم آورد و از سوغاتی‌های محل برای او بخرد و او را برای دفعات بعد نیز به مهمانی دعوت کند و خود نیز به دیدن و مهمانی او برود.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی برای شما مهمانی رسید، در هنگام ورود، او را در پیاده کردن زاد و توشه‌اش کمک کنید و وقتی خواست برگردد، به او کمک نکنید، چون این کار از پستی انسان است و زاد و توشه‌اش را آماده کنید که نوعی سخاوت است. <sup>(20)</sup>

## حکایت استقبال و بدرقه عجیب

اسمعی می‌گوید: روزی در قبیله‌ای نزول کردم. در میان بادیه در هنگام وصول، زنان و دختران قبیله پیش آمده و مرحبا گفتند و بار مرا گشوده، به منزل بردند و تا وقتی که در آن قبیله بودم، مرا خدمت می‌کردند و از پذیرایی هیچ‌گونه کمبودی احساس نمی‌کردم.

بعد از سه روز تصمیم گرفتم بروم. خواستم شتر خود را بار کنم، اما چون بارم سنگین بود، به تنهایی نمی‌توانستم آن را بار کنم. هرچه منتظر و چشم‌به‌راه ماندم، هیچ‌کس به کمک من نیامد.

از این رفتار خیلی ناراحت و در عین حال متعجب بودم. در مانده‌صدا زدم: شما در وقت آمدن انواع دلداری را تقدیم کردید و اکنون مرا تنها گذاشته، مدد نمی‌کنید، تا شترم را بار کنم؟! علت این برخورد چیست؟ مگر از من خطایی سرزده است؟

یکی از آنها جواب داد: ما قومی هستیم که از ورود مهمان خوشحال می‌شویم و هنگام آمدن او را خدمت می‌کنیم، اما چون دوست نداریم مهمان از پیش ما برود و از رفتن او ناراحت می‌شویم، از این رو در وقت رحیل برای ما عار است او را مدد کنیم.

وقتی این جواب را شنیدم، متعجب شدم و هر طور بود بارم را به تنهایی بر شتر گذاردم و از آنها خداحافظی کردم.<sup>(21)</sup>

### قدرت مهمانی دادن را داشته باشد

کسی که نمی‌تواند نان زن و بچه‌های خود را بدهد، حق ندارد مهمان‌دعوت کند و ادای افراد سخی را درآورد. از قدیم گفته‌اند: چراغی که به خانه‌رواست، به مسجد حرام است. غذا دادن به خانواده و پرداخت نفقه زن و فرزند واجب است، اما مهمانی دادن مستحب، و هیچ مسلمانی نباید عمل واجب را به‌خاطر انجام کار مستحبی ترک کند. انسان اول باید زن و اولاد خود را سیر کرده و در رفاه قرار دهد، آن وقت اگر توانست مهمان‌دعوت کند.

مهمانی دادن ثواب بسیاری دارد، ولی باید در حد توان انسان باشد. اگر بیشتر از یک نفر را نمی‌تواند مهمان کند، باید همان یک نفر را دعوت کند و دو نفر را دعوت نکند، و اگر توان پذیرایی از دو یا سه نفر را دارد، نباید بیشتر از آن را دعوت کند و خانواده خود را در مضیقه و تنگنا قرار دهد.

## آماده کردن غذای مورد علاقه مهمان

یکی از اخلاق نیکوی میزبان این است که از مهمان بپرسد غذای مورد علاقه اش چیست. اگر توانست، برایش تهیه نماید و در غیر این صورت از او عذرخواهی کند.

پرسش از مهمان این حسن را دارد که اگر غذایی برای او ضرر دارد و یادکتر او را از خوردن آن منع کرده است؛ تهیه نگردد و در عوض غذایی که باب میل مهمان است یا برای او ضرر ندارد، آماده شود.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: کسی که غذای مورد علاقه برادر دینی اش را فراهم کند، مورد آمرزش خدا است و خدا او را مسرور می نماید.

## حفظ کردن آبروی مهمان

حفظ آبروی مؤمنان بر یکدیگر واجب است و اگر کسی به عیب برادر دینی‌اش پی برد، باید آبروی او را حفظ کند و عیب او را برای دیگران ابراز نکند.

یکی از جاهایی که معمولاً انسان به بعضی از عیوب برادر مؤمنش پی می‌برد و بر آنها آگاهی می‌یابد، وقتی است که او برای مهمانی به منزل برادر دینی‌اش می‌رود، چون در این اوقات مؤمنان بیشتر با یکدیگر انس می‌گیرند، از این رو بر اسرار و عیوب یکدیگر مطلع می‌شوند.

## خدمت کردن به مهمان

یکی دیگر از وظایف میزبان این است که کمر به خدمت مهمان ببندد و کارهای او را انجام دهد، مثلاً قبل از غذا برای او آب آماده کند تا دستش را بشوید، رختخواب او را برای خواب آماده کند، لباس‌های او را آماده کند و کفش‌های او را جفت کرده و جلو او بگذارد.

## حکایت مهمانان علی علیه السلام

روزی مردی با پسرش به عنوان مهمان بر حضرت علی علیه السلام وارد شدند. حضرت با اکرام و احترام بسیار آنها را در صدر مجلس نشاند و خود رو به روی آنها نشست.

بعد از خوردن غذا، قنبر غلام حضرت حوله و تشت و ابریقی برای شستن دست آنها آورد.

حضرت علی علیه السلام آنها را از دست قنبر گرفت و جلو رفت تا دست مرد را بشوید!

مرد خود را عقب کشید و گفت: مگر چنین چیزی ممکن است!  
امام علیه السلام فرمود: برادر تو، از تو است و از تو جدا نیست. می خواهد عهده دار خدمت تو بشود. در عوض خداوند به او پاداش خواهد داد. چرامی خواهی مانع کار ثواب بشوی!

باز آن مرد امتناع کرد. علی علیه السلام فرمود: من می خواهم به شرف خدمت برادر مؤمن نایل گردم. مانع کار من مشو.

مهمان با شرمندگی حاضر شد. پس علی علیه السلام فرمود: خواهش می کنم دست خود را درست و کامل بشوی، همان طور که اگر قنبر می خواست دستت را بشوید، می شستی. خجالت و تعارف را کنار بگذار.

وقتی امام از شستن دست مهمان فارغ شد، به پسر خود «محمد بن حنیفه» فرمود: دست پسر را تو بشوی. من که پدر تو هستم، دست پدر را شستم و تودست پسر را بشوی، اگر پدر این جا نبود و تنها این پسر مهمان ما بود،

من خودم دستش را می‌شستم، اما خداوند دوست دارد وقتی که پدر و  
پسری حاضرند، در احترام بین آنها فرق گذاشته شود.

محمد به امر پدر برخاست و دست پسر را شست. امام حسن  
عسکری علیه السلام وقتی این داستان را نقل کرد، فرمود: شیعه حقیقی باید این‌طور  
باشد. (22).

## آمادگی دایم برای پذیرایی از مهمان

کسی که فامیل و دوستان زیادی دارد، یا شخصی است که مشهور به بخشندگی و مهماندوستی است و هر آن احتمال دارد برای او مهمان بیاید، حتی المقدور باید آماده پذیرایی باشد، تا اگر مهمانی بدون دعوت قبلی و سر زده وارد شد، برای پذیرایی از او در مشقت نیفتد و یا مهمان گرسنه نماند. آمادگی برای پذیرایی یکی از نشانه‌های جود و سخاوت است. فقط افراد سخاوتمند هستند که همیشه برای پذیرایی از مهمان آماده‌اند و از مهمان ناخوانده ناراحت نمی‌شوند.



## حکایت مهمانی با مغز استخوان

علی بن هشام مردی با مروت و مهماندوست بود، روزی معتصم به قصد مزاح گفت: امروز بعد از آن که علی بن هشام ناهار خورد، به مهمانی اوبرویم و وی را امتحان کنیم تا حد او در مروت پدید آید. آنها این کار را کردند. مامون و عبدالوهاب نیز با ایشان بودند. چاشتگاهی نزد او آمدند. علی بن هشام پیش دوید و خدمت کرد. ایشان گفتند: امروز چاشت به امید تو خواهیم بود. علی گفت: یا امیر المؤمنین! من ناهار خورده‌ام و چیزی نمانده که لایق شما باشد.

مامون گفت: تکلف شرط نیست. هر چه حاضر است، بگو بیاورند. رسم علی بن هشام این طور بود که همیشه چند نوع حلوا در آشپزخانه آماده داشت و آشپزهای او همیشه غذای آماده و داغ در دیگ داشتند. وقتی مهمان می‌رسید، فوری غذا می‌آوردند و هیچ وقت مطبخ او خالی از غذا نبود. علی بن هشام دستور داد هر چه آماده بود، آورند. عبدالوهاب برای امتحان، از آشپزی مغز خواست. او هم فوری مغز آورد. بار دیگر درخواست مغز کرد. باز هم آورد و تا چندین مرتبه این درخواست تکرار شد و آنها می‌آوردند. چون عادت علی بن هشام را می‌دانستند که اگر بگویند نیست، ناراحت می‌شود و آنها را تادیب خواهد کرد.

آشپز هر چه شتر و گوسفند در آغل بود، سر می‌برید و مغز آنها را برای مهمان می‌آورد. تا این که فقط یک شتر ماند که علی بن هشام آن را به ده هزار دینار خریده بود. آشپز چاره‌ای ندید جز این که آن را بکشد. از این رو آن را ذبح کرد و مغز آن را برای مهمان آورد.

علی بن هشام به آشپز آفرین گفت و پرسید: این همه مغز را از کجا آوردی؟  
گفت: هر چه گاو، گوسفند و شتر بود، کشتم و مغز فرستادم و در پایان هم آن  
شتر گران قیمت را کشتم.  
علی بن هشام گفت: بسیار کار خوبی کردی و اگر جز این می‌کردی، تو  
را ادب می‌کردم.  
مهمانان متعجب شدند و پس از آن اسم او جزو سخاوتمندان در جهان ثبت شد  
و به یادگار ماند. (23)

### دل و زبانش یکی باشد

کسی که برادر دینی‌اش را به مهمانی دعوت می‌کند و یا به او تعارف می‌کند  
برای غذا خوردن به منزل او برود، باید حتی المقدور قدرت پذیرایی داشته باشد و  
اگر خدای نخواستہ برای خودنمایی تعارف کند و گمان کند با تعارف کسی به  
مهمانی‌اش نمی‌رود، کاری بسیار زشت و ناپسندی انجام داده‌است، چون دعوت  
باید با رضایت کامل باشد، تا مورد قبول خداوند عزیز قرار گیرد. اگر کاری یک  
ذره با ریا باشد، آن عمل را خداوند قبول نمی‌کند. اگر دوست ندارد کسی مهمان  
او شود یا قدرت پذیرایی ندارد، نباید به کسی تعارف و در ظاهر دیگران را  
دعوت کند.

اگر نیت انسان با عمل او فرق داشته باشد، آن عمل مقبول نیست و هیچ‌گونه  
ثمره‌ای برای او ندارد و فردای قیامت همین عمل وبال گردنش خواهد شد و  
عذابی دردناک در انتظار او است.

## لطیفه تعارف بی جا

گویند: یک نفر روستایی کنار جوی آبی نشسته و سفره خود را گسترده  
و مشغول خوردن غذا بود.

هنوز چند لحظه‌ای نگذشته بود که سواری از کنار او گذشت. دهاتی گفت:  
بسم الله، بفرمایید غذا میل کنید!

سوار بدون تامل از اسب فرود آمد و بر سر سفره نشست و مانند کسی  
که چند روز غذا نخورده باشد، به تندی و ولع تمام مشغول خوردن شد.

مهمان در حین خوردن گفت: میخ طویله اسبم را کجا بکوبیم؟  
دهاتی که از تعارف کردن به مرد پر رو و پر خور پشیمان شده بود،  
گفت: روی زبان من ببند که به تو تعارف بی جا کردم! <sup>(24)</sup>.

## طعنه زدن به مهمان

اگر مهمان، اخلاق به خصوصی دارد و یا در او عیبی هست که اگر کسی آن عیب را به رخش بکشد، ناراحت می شود، میزبان نباید کوچک ترین اشاره ای به آن بکند؛ حتی اگر مهمان مؤمن نباشد، نباید از ایمان او ایراد گرفت و او را ناراحت کرد، چون مهمانی دادن به خاطر دینداری افراد نیست؛ هر چند اولویت در مهمانی با کسانی است که متقی و مؤمن باشند.

نگاه کردن به دهان مهمان در حین غذا خوردن، اشاره کردن به چگونه غذا خوردن و زدن حرف های رکیک از جمله اخلاق زشتی است که بعضی از میزبان ها دارند و مهمان خود را به این وسیله ناراحت می کنند.

## حکایت مهمانی ابراهیم علیه السلام و بت پرست

حضرت ابراهیم علیه السلام در مهمانداری نمونه بود و از عادات او این بود که تامهمان برایش نمی آمد، لب به غذا نمی زد.

روزی بر او گذشت و مهمانی برایش نیامد. به صحرا بیرون رفت. بعد از مقداری جستجو، مرد بیگانه و بت پرستی را دید که در حال گذشتن از آن محل بود.

حضرت فرمود: ای دریغا! اگر مسلمان بودی، تا یک ساعت نزد ما می نشستی وانگستی بر غذای ما می زدی و ما را از بی مهمانی بیرون می آوردی! پیرمرد از کنار او گذشت. در این هنگام جبرئیل علیه السلام بر حضرت نازل شد و گفت: یا ابراهیم! حضرت حق سلام می رساند و می فرماید: این پیر هفتاد سال مشرک و بت پرست بود، ولی مارزق و روزی او را کم نکردیم، اما یک روزناهار او را به تو حواله کردیم، به تهمت بیگانگی به او غذا ندادی؟!

حضرت ابراهیم علیه السلام به دنبال او رفت و او را صدا زد و دعوت کرد.

پیر گفت: رد اول برای چه بود و دعوت آخر برای چه؟!

ابراهیم علیه السلام عتاب حق تعالی را به او گفت.

پیر گفت: نافرمانی کردن چنین خداوندی از مروت دور است. پس ایمان آورد

و از جمله مؤمنان گشت. (25) .

## دفاع کردن از مهمان

وقتی کسی به مهمانی دیگری می‌رود، مانند این است که از حیث جان و مال به او پناه آورده و میزبان با قبول کردن او، پناهِش داده است. دفاع از جان و مال پناهنده به حکم عقل لازم است.

از زمان‌های بسیار دور تا به حال رسم بوده که مردم از مهمان خود دفاع می‌کردند و حتی در زمان جاهلیت برای دفاع از مهمان خون‌های بسیاری ریختند و هر طور بود با جان و مال خود از مهمان دفاع می‌کردند و جان او را نجات می‌دادند.

وقتی ملائکه عذاب بر حضرت لوط علیه السلام به عنوان مهمان وارد شدند و قوم او به وسیله همسرش با خبر شدند، اطراف خانه حضرت را گرفتند و عده‌ای جلوی در ورودی تجمع کردند تا وارد منزل شوند و به مقصود شیطانی خود جامه عمل بپوشانند.

حضرت لوط علیه السلام در مقام دفاع از مهمان‌ها برآمد، اما چون عده کفار زیاد بود و قابل هدایت نبودند، خیلی ناراحت شد و فرمود: ای کاش قدرت داشتم در مقابل شما ایستادگی کنم و از مهمانان خود دفاع نمایم، اما افسوس که این قدرت و توانایی را ندارم. بنابراین به خدا پناه می‌برم تا شما را به سزای عملتان برساند!

## مهمانی دادن برای فخر فروشی نباشد

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: هر کس سفره احسانی بچیند و مردم را به مهمانی دعوت کند و نظرش فخر فروشی و نشان دادن شکوهمندی خود باشد خداوند او را در روز قیامت با روی سیاه در محشر می آورد. (26)

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: هر کس به خاطر ریا و خودنمایی مهمانی بدهد، خداوند فردای قیامت از صدید جهنم به او می خوراند و آن غذا در درونش آتش می شود تا زمانی که قیامت تمام شود. (27)

و سرانجام از جمله وظایف میزبان این است که درباره مطالبی که مهمان دوست دارد، صحبت کند.

- قبل از مهمان نخواستن.

- در حضور آنها از کمبودها و مشکلات زندگی صحبت نکند.

- در بین سخنان او حرف نزند.

- اگر صحبت‌های مهمان باب میلش نبود، خود را ناراحت نشان ندهد.

- در حضور او به خانواده خود خشم نگیرد.

- خود را خوشحال و مسرور نشان دهد.

- هنگام رفتن او خود را غمگین و ناراحت نشان دهد.

---

پی‌نوشتها:

(1) وسائل الشیعه، ج 16، ص 457، ح 2.

(2) همان، ص 457، ح 3.

(3) همان، ح 1.

(4) همان، ص 432، ح 4.

- (5) ميزان الحكمة ، ج 2 ، ص 1721 ، ح 11131 .
- (6) همان ، ح 11132 .
- (7) کافی ، ج 8 ، ص 266 ، ح 31؛ آیه 9 سوره حشر است .
- (8) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 460 ، ح 1 .
- (9) همان ، ص 461 ، ح 3 .
- (10) هود (11) آیه 69 .
- (11) وسائل الشیعه ، ج 5 ، ص 433 .
- (12) جوامع الحکایات ، ص 208 ، با اندکی تصرف .
- (13) همان ، ص 212 ، با کمی تصرف .
- (14-15) حلیة المتقین ، ص 60 .
- (16) زینة المجالس ، ص 519 ، با کمی تصرف .
- (17) ميزان الحكمة ، ج 2 ، ص 1721 ، ح 11129 .
- (18) جوامع الحکایات ، ص 212 ، با کمی تصرف .
- (19) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 433 ، ح 4 .
- (20) همان ، ج 24 ، ص 316 .
- (21) زینة المجالس ، ص 518 ، با کمی تصرف .
- (22) بحار الانوار ، ج 9 ، ص 598 .
- (23) جوامع الحکایات ص 207 ، با کمی تصرف .
- (24) حکایات برگزیده ، ص 231 .
- (25) جوامع الحکایات ، ص 211 ، با کمی تصرف .
- (26) عقاب الاعمال ، ص 582 .
- (27) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 455 ، ح 1 .



## بخش چهارم: وظایف مهمان

مهمان نیز به نوبه خود نسبت به میزبان وظایفی دارد که انجام دادن آن موجب رضایت خداوند تبارک و تعالی و مستحکم تر شدن اخوت میان مؤمنان می شود.

### تقاضای دشوار از میزبان نکند

یکی از وظایف مهمان این است که اگر میزبان وضع خوبی ندارد و قدرت مالی او ضعیف است، از او تقاضای غذایی غیر از آنچه برایش می آورند نکند؛ حتی اگر می داند میزبان غذای مورد علاقه اش را تهیه می کند. از نظر اخلاقی و عرفی این تقاضا درست نیست.

اگر میزبان از او خواست یکی از دو نوع غذا را انتخاب کند، او راحت ترین و ساده ترین آنها را انتخاب کند.

## حکایت درخواست بی جا

ابووائل می گوید: روزی من و ابوذر به زیارت سلمان رفتیم و برای ناهار نزد او ماندیم.

موقع غذا که شد، سلمان مقداری نان جو و نمک برایمان آورد و به ماتعارف کرد که بخوریم.

ابوذر گفت: اگر با این نان و نمک مقداری سعتر گیاهی خوشبو می بود، بهتر بود و ما بیشتر لذت می بردیم.

سلمان از نزد ما بلند شد و بیرون رفت و بعد از چند لحظه با مقداری از همان سبزی که ابوذر خواسته بود، برگشت.

وقتی غذا تمام شد، ابوذر گفت: خدا را شکر که به ما قناعت بخشید! سلمان گفت: ای ابوذر! اگر به روزی خود قانع بودی، آفتابه من به رهن نمی رفت.

معلوم شد سلمان برای این که به درخواست ما جامه عمل بپوشاند، آفتابه خود را نزد سبزی فروش به رهن گذاشته و مقداری سبزی برای ما تهیه کرده بود تا بعدا پول آن را بدهد. <sup>(1)</sup>

امام رضا علیه السلام می فرماید: روزی شخصی حضرت علی علیه السلام را دعوت کرد تا برای ناهار به منزل او برود.

حضرت فرمود: به شرطی که سه خصلت را برای من ضمانت کنی، می آیم: اول: این که از بیرون چیزی نخری؛ دوم: هر چه در خانه حاضر داشتی، بیاوری؛ سوم: بر عیال خود سخت نگیری. <sup>(2)</sup>

چه خوب است تمامی مهمان‌ها این‌طور باشند؛ یعنی قبلاً با میزبان و برادر دینی خود شرط کنند در پذیرایی خود را به زحمت نیندازد؛ هر چه حاضر بود، بیاورد تا دیگر لزومی به قرض گرفتن و به رهن گذاشتن لوازم‌خانه نباشد. تمام در دسرهای مهمانی و مخارج بیهوده و اضافی از قانع نبودن مهمان است.

روزی حرث اعور پیش حضرت علی علیه السلام آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! دوست دارم بر من منت گذاشته و مهمانم شوی.

حضرت علی علیه السلام فرمود: به شرطی که خود را به خاطر من به زحمت نیندازی. با این شرط حضرت وارد منزل او شد.

حرث دست در جیب کرد و چند درهم پول در آورد و آن را به حضرت نشان داد و گفت: اگر اجازه می‌دادی، چیز بهتری خریداری می‌کردم.

حضرت فرمود: همین که در خانه تو موجود است، کافی است و لازم نیست بیشتر از این خود را به حمت بیندازی. <sup>(3)</sup>

## از غذای میزبان به قدر کافی بخورد

کم رویی صفت زشت و ناپسندی است که در هر کس وجود داشته باشد، برای او ضرر دنیوی و اخروی دارد.

یکی از جاهایی که این صفت گریبانگیر افراد می‌شود، هنگام مهمانی است. فرد کم رو به خاطر این که خجالت می‌کشد، به اندازه کافی غذا نمی‌خورد و گرسنه می‌ماند و اگر مهمانی طولانی باشد، کم کم ضعیف می‌شود و قدرتی در بدن او برای عبادت خداوند باقی نمی‌ماند و نمی‌تواند آن‌طور که باید خدا را عبادت کند. از طرف دیگر به خاطر ضعیف شدن، بیماری به او هجوم می‌آورد و او را مریض می‌کند.

در چنین مواردی میزبان وظیفه دارد مهمان را در حین غذا خوردن تنها بگذارد، تا هر طور که می‌خواهد، غذا بخورد. در غیر این صورت میزبان به وظیفه انسانی خود عمل نکرده است.

یکی از سفارش‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام به شیعیان این است که به قدر کافی از غذای میزبان بخورند، و این دستور عملی نمی‌شود جز با کنار گذاشتن کم رویی.

هشام می‌گوید: روزی با ابن ابی یعفور به خدمت امام جعفر صادق علیه‌السلام رفتم. آن حضرت چاشت طلبید. هشام گفت: من زیاد نمی‌توانم بخورم. حضرت فرمود: ای هشام! مگر نمی‌دانی محبت مؤمن به برادر مؤمن خود به قدر طعامی است که از او می‌خورد؛ یعنی هر چه او را بیشتر دوست دارد، طعامش را بیشتر می‌خورد. <sup>(4)</sup>

البته مخفی نماند تمام این موارد در جایی است که غذای میزبان حرام یا شبهه ناک نباشد. اگر مهمان یقین دارد غذا حرام است، مثلاً از مال دزدی یا غصبی و یا شبهه ناک است، نباید حتی یک لقمه از آن را بخورد و اگر خورد، مثل این است که قطعه‌ای از آتش را خورده است. باید از کنار آن سفره به عنوان نهی از منکر بلند شده، دور شود و حتی اگر برایش امکان دارد، مهمانی را ترک کند.

در روایت است: هر کس یک لقمه حرام از گلویش پایین رود، خداوند عبادات او را تا چهل روز قبول نمی‌کند و دعایش را مستجاب نمی‌نماید.

## غذای میزبان را کم نشمارد

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: مهمانی که غذای میزبان را تحقیر کرده و کم شمارد، هلاک شده است. (5)

ممکن است میزبان نتواند غذای مورد علاقه و در شان مهمان را تهیه کند و از همان غذایی که خود و خانواده او می خورند، برایش بیاورد و این غذا در نظر مهمان ناچیز باشد. از این رو مهمان نباید میزبان را تحقیر کرده و یا به او طعنه بزند.

غذا هر چه و هر چند که باشد، نعمت خدا است و باید به خاطر آن خدا را شکر گزاری کرده و از میزبان تشکر نماید.

مهمان نباید به کم بودن غذا نگاه کند، بلکه باید به کسی که نعمت به ظاهر کم را به او داده، یعنی خداوند بزرگ نگاه کند، و وقتی بزرگی خدا را نظاره کرد، دیگر کم یا ناچیز بودن غذا را نمی بیند.

از کنار سفره‌ای که شراب در آن هست، بلند شود.

نوشیدن شراب حرام است و در قرآن از آن نهی شده است (رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ). (6)

بنابراین برای نهی از منکر به ما دستور داده‌اند: اگر به مهمانی دعوت شدید و در سفره غذا جام شراب دیدید، از کنار آن سفره بلند شده و مهمانی را ترک کنید.

نشستن در کنار سفره‌ای که شراب در آن هست و نهی نکردن دیگران، رضایت به عمل آنها است و نوعی امر به منکر است، که گناه بزرگی است.

شخصی به نام هارون از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که روزی یکی از بزرگان و مسؤولان حکومتی مدینه به مناسبت ختنه کردن پسرش عده‌ای رابه منزلش دعوت کرد. از امام صادق علیه السلام نیز تقاضا کرد در آن جشن شرکت کند. امام علیه السلام پذیرفت و در مجلس او حاضر شد. همه مشغول خوردن غذا بودند که یک نفر تقاضای آب کرد. برای او جامی از شراب آوردند. همین که جام رابه دست مرد دادند، امام علیه السلام غذای خود را نیمه تمام گذاشت و از سر سفره برخاست.

عده‌ای علت برخاستن حضرت را سؤال کردند، فرمود: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بر سفره‌ای بنشیند که در آن شراب نوشیده می‌شود، ملعون است.

### برای میزبان ایجاد مزاحمت نکند

بعضی از افراد وقتی به مهمانی می‌روند، در تمام طول روز از خانه خارج نمی‌شوند و به همین خاطر زن و بچه میزبان نمی‌توانند به راحتی رفت و آمد کنند و کارهای شخصی خود را انجام دهند؛ بنابراین مهمان بایستی توجه داشته باشد وقتی به دیدار برادران دینی خود می‌رود، اگر مرد در خانه نبود و دنبال کار خود به بیرون از منزل رفت، او نیز بیرون برود و تا وقتی که میزبان به خانه برنگشته است، او نیز برنگردد، تا برای خانواده او ایجاد مزاحمت و ناراحتی نکند و آنها در آسایش باشند.

## حکایت مهمان ماندگار

مردی به مهمانی دوستش رفت و تمام روز را در خانه او بود و از هر جهت در فرحناکی را بر صاحبخانه بسته بود. وقتی شب شد و هوا رو به تاریکی نهاد، صاحبخانه بدون این که چراغی روشن کند، کنار مهمان نشست و با او مشغول صحبت و گفت‌وگو شد.

مهمان که از تاریکی ناراحت و در عذاب بود، هرچه منتظر ماند میزبان چراغی روشن نکرد، تا این که کاسه صبرش لبریز شد و گفت: خیلی معذرت می‌خواهم! چراغ کجا است تا آن را روشن کنم، چون هوا خیلی تاریک است و جایی را نمی‌بینم.

صاحبخانه که از مهمان ناخوانده حسابی کلافه شده بود، از فرصت استفاده کرد و گفت: خداوند می‌فرماید: **(وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ)** <sup>(7)</sup> یعنی: وقتی شب جامه تاریکی بر آنها پوشاند، از جا حرکت کنند و بروند.

مهمان که از حاضر جوابی میزبان جا خورده بود، خجلت زده شد و از خانه بیرون رفت. <sup>(8)</sup> .



## به نوع غذا اهمیت ندهد

در بین مردم این طور جا افتاده که اگر کسی را به مهمانی دعوت کردند، یعنی این که برای او غذای لذیذی تهیه کرده‌اند و دعوت کردن فقط برای خوردن است. شخص دعوت شونده اولین سؤالی که در ذهنش خطور می‌کند، این است که چه غذایی درست کرده‌اند؟ کی سفره را می‌آورند؟ چه غذایی را بیشتر و چه غذایی را کمتر بخورد؟

و وقتی که از مهمانی برگشت، اولین سؤالی که از او پرسیده می‌شود، این است که، چه غذایی درست کرده بودند؟ خوردی یا نه؟ خوشمزه بود یا بد مزه؟ کم بود یا زیاد؟

هدف از پذیرفتن دعوت و مهمانی رفتن نباید بر کردن شکم و لذت جسمانی و نوع غذا باشد، بلکه هدف باید امور معنوی و نزدیکی به خدایه این وسیله باشد، مثلاً با خود فکر کند که من به خاطر عمل کردن به سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مهمانی می‌روم، برای نزدیکی به خدا و برای این که دوستی ما بیشتر شود، دعوت برادر دینی‌ام را قبول می‌کنم.

اهمیت دادن به غذا و کم و زیاد بودن آن از خصایص انسان‌های نمک‌نشناس است.

## به میزبان خیانت نکند

از زمان‌های قدیم تا به حال مرسوم بوده که اگر کسی نان و نمک کسی را خورد، دیگر نباید به او خیانت کند؛ حتی افراد سارق و گناهکار وقتی نمک کسی را می‌خوردند، دیگر به میزبان خیانت نمی‌کردند و حرمت او را نگه می‌داشتند.

یکی از وظایف مهمان این است که وقتی به خانه کسی رفت و نان و نمک او را خورد، به هیچ عنوان به او خیانت نکند و باید جان، مال، ناموس و آبروی میزبان از طرف او در امان باشد.

اگر یک نفر قطعه‌ای نان را به طرف حیوانی بیندازد، آن حیوان تا مدت طولانی هر وقت آن شخص را ببیند، به‌عنوان قدردانی و امتنان با او بد رفتاری نمی‌کند؛ اما اگر انسان‌ها به میزبان خود خیانت کنند، از حیوان پست‌تر خواهند بود.

## حکایت حق نان و نمک

یکی از دزدان عرب گوید: روزی در بادیه به قبیله‌ای وارد شدم. مردی در آن‌جا در غایت شجاعت و نهایت سخاوت بود. چون به امید او وارد شدم، فوری شتری برای من قربانی کرد.

گفتم: بدین تکلف حاجت نیست.

گفت: عادت من این است که گوشت مانده به مهمان ندهم.

چند روز آن‌جا بودم. هر روز شتری می‌کشت و از گوشت آن برای من غذا درست می‌کرد. روزی فرصتی به دست آوردم و شتران او را براندم و بردم. چون اعرابی با خبر شد، از پشت سر من آمده، راه بر من گرفت.

وقتی به من رسید، تیری در کمان نهاد و گفت: سوسماری در آن‌جا خفته است. این تیر را بر دم سوسمار خواهم زد. تیر را رها کرد و دم او را بر زمین دوخت.

پس تیر دیگری در کمان نهاد و گفت: این تیر بر مهره پشت سوسمار خواهم زد. همان‌طور که گفته بود، تیر بر پشت حیوان نشست.

پس تیر دیگری در کمان نهاد و گفت: آماده باش که این تیر بر سینه تو خواهم زد.

گفتم: الله، الله، من شتران را به تو باز می‌گردانم. دست از من بردار.

گفت: تا شتران را به جایگاه خود بازنگردانی، دست بر نمی‌دارم.

پس شتران او را براندم و به چراگاه خود بردم. سپس به من گفتم: چه چیز تو را واداشت که این‌طور جرات کنی که شتران مرا ببری و به من که میزبان تو بودم، خیانت کنی؟!

گفتم: احتیاج و فقر و نیز می‌دیدم تو اسراف می‌کردی و هر روز برای  
من شتری قربانی می‌کردی. باخود گفتم، از مروت تو مرا آسیبی بر نیاید.  
گله‌شتران براندم تا به مقصود برسم.  
گفت: درست است و حق نان و نمک در میان است. بیست‌شتر را انتخاب کن  
و برای خودت ببر.  
من بیست‌شتر انتخاب کردم و بعد از تشکر از آن‌جا دور شدم. (9).

هر جا صاحبخانه اشاره کرد، بنشیند

حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: هنگامی که یکی از شما وارد منزل برادر دینی خود شد، باید هر کجا که صاحب منزل اشاره می کند بنشیند، زیرا صاحبخانه به وضع منزل خود و آن قسمت هایی که نباید آشکار گردد، آشناتر است. (10).

به نامحرم نگاه نکند

یکی از مواردی که مهمان باید با دقت آن را مراعات کند، نگاه نکردن به محارم میزبان است، زیرا اگر خدای نخواستہ کسی مهمان برادر دینی خود شد و در آن جا نتوانست جلو خود را بگیرد، خیانت بسیار بزرگی را مرتکب شده است.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: نظر و نگاه یکی از تیرهای زهر آگین شیطان است، و چه بسا یک نگاه سبب حسرت و ندامت طولانی بشود. (11).

### در وقت معین و مقرر حاضر شود

مهمان نباید مهمانی رفتن را به تاخیر بیندازد تا صاحبخانه یا مهمانان دیگر در انتظار بمانند، همان طور که اگر موقع معینی را تعیین کرده‌اند، نباید زودتر به مهمانی برود، زیرا ممکن است میزبان آمادگی استقبال و پذیرایی نداشته باشد و به این وسیله خجلت زده شود.

وقتی که مهمانی تمام شد، فوری آن جا را ترک کند و زیاد در خانه میزبان نماند و مجالست را طولانی نکند، چون این کار علاوه بر این که موجب مزاحمت برای میزبان می شود، وقت مهمان نیز ضایع می گردد. انسان باید حداکثر استفاده را از وقت بنماید، زیرا فردای قیامت از عمر ما سؤال می کنند که در چه راهی آن را گذرانندیم.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: وقتی روز قیامت می شود، هیچ قدمی برداشته نمی شود مگر این که از انسان در مورد چند چیز سؤال می شود، که یکی از آنها عمر است، که می پرسند در چه راهی عمرت را فنا کردی. <sup>(12)</sup>

## بدون اجازه میزبان روزه مستحبی نگیرد

امام محمد باقر علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: وقتی یک نفر وارد شهری و داخل خانه کسی شد، مهمان او خواهد بود تا زمانی که از آنجا برود و سزاوار نیست مهمان بدون اجازه میزبان روزه مستحبی بگیرد، تا اگر برای او غذایی درست کردند، خراب نشود.

(13)

ثواب اجابت دعوت برادر دینی بیشتر از روزه مستحبی است. لذا ائمه علیهم السلام دستور داده‌اند وقتی برای مهمانی دعوت شدید، روزه نگیرید و اگر روزه بودید، بدون این که به میزبان خود بگویید روزه هستم، روزه خود را بخورید و دعوت برادر دینی خود را رد نکنید، تا هم ثواب روزه نصیب شما شود و هم ثواب مهمانی.

بعضی از علما مانند محقق حلی فرموده‌اند: فرقی بین روزه مستحبی و غیرمستحبی که واجب موسع است، نیست و اجابت دعوت برادر دینی در هر حال لازم است.

## برای میزبان دعا کند

وقتی میزبان در کمال بذل و بخشش تمام امکانات شخصی خود اعم از غذا، جا، لباس و ... را در اختیار مهمان قرار می‌دهد، مهمان نیز وظیفه دارد برای میزبان و خانواده او دعا و از آنها تقدیر و تشکر کند، زیرا تشکر از بنده خدا شکرگزاری از خدا است.

روزی یکی از یاران امام جعفر صادق علیه السلام غذایی برای آن حضرت آورد. حضرت وقتی از آن غذا میل کرد، فرمود: خدای را شکر و به صاحب غذا گفت: خداوند غذایت را به افراد نیکوکار بخوراند و ملائکه مقرب به تونیکی کنند <sup>(14)</sup> (خدا به تو برکت بدهد).

## اسرار میزبان را حفظ کند

همان‌طور که میزبان باید اسرار مهمان را حفظ کند و عیوب او را نقل نکند، مهمان نیز وظیفه دارد اسرار میزبان را حفظ کند و آبروی او را نبرد، مگر در یک مورد که اجازه داده شده آن را نقل کنیم و آن جایی است که میزبان خوب مهمانداری نکند.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که عده‌ای را مهمان کند و خوب مهمانداری نکند، در حق مهمانان خود ظلم کرده و مهمانان حق دارند در این مورد از میزبان خود غیبت کنند. <sup>(15)</sup>

در این موارد نیز مجال عفو و گذشت هست، یعنی اگر مهمان کوتاهی میزبان خود را عفو کند و آن را در جایی نقل نکند، بهتر است، چون ممکن است



کوتاهی او به خاطر مشکلی بوده که برای او به وجود آمده و یابیش از آن قدرت پذیرایی نداشته است.

---

پی‌نوشتها:

- (1) بحارالانوار، ج 22، ص 384، ح 23.
- (2) وسائل‌الشیعه، ج 16، ص 433، ح 13.
- (3) همان، ص 431، ح 1.
- (4) حلیة المتقین، ص 59.
- (5) وسائل‌الشیعه، ج 16، ص 431، ح 2.
- (6) مائده (5) آیه 90.
- (7) بقره (2) آیه 20.
- (8) حکایت‌ها و لطیفه‌ها، ص 20، با اندکی تصرف.
- (9) جوامع‌الحکایات، ص 209، با اندکی تصرف.
- (10) بحارالانوار، ج 15، ص 240.
- (11) عقاب‌الاعمال، ص 604.
- (12) تحف‌العقول، ح 45.
- (13) علل‌الشرایع، ص 384.
- (14) المحاسن، ص 439، ح 295.
- (15) وسائل‌الشیعه، ج 8، ص 605، ح 6.

## بخش پنجم: آداب مهمانی

کسی که می‌خواهد به مهمانی برادر دینی‌اش برود، قبل از هر چیز باید اموری را مراعات کند. بعضی از این امور برگرفته از بیانات شیوای ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند و بعضی دیگر مراعات کردن آنها از نظر اخلاقی و عرفی بر ما لازم است که با مراعات کردن آنها، سعادت دنیوی و اخروی نصیب ما خواهد شد.

### بدون اطلاع قبلی به مهمانی نرود

اگر کسی بخواهد بدون دعوت به منزل کسی برود و مهمان شود، قبل از هر چیز باید به هر وسیله که امکان دارد صاحبخانه را در جریان بگذارد و به هیچ وجه سرزده وارد خانه کسی نشود، جز در موارد ضروری که اطلاع دادن ممکن نباشد.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ <sup>(1)</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا این‌که اجازه بگیرید و براهل آن خانه سلام کنید».

میزبان باید از قبل آمادگی پذیرایی از مهمان را داشته باشد، و اگر کسی سرزده وارد خانه برادر دینی‌اش شود، امکان دارد چیزی در خانه برای خوردن نداشته باشد و غذای زن و بچه خود را برای او بیاورد و حق آنها را ضایع نماید، و یا این‌که از این جهت که نتوانسته از مهمان پذیرایی کند، خجالت بکشد و خدای نخواستہ برای تامین معاش مهمان دست به کار خلاف شرع بزند.

## دزدی برای مهمان

مدتی پیش در صفحه حوادث جراید نوشته بودند: شخصی که دست به سرقت از همسایه دیوار به دیوار خود زده بود، به دام افتاد. وی در بازجویی که از او به عمل آمد، اعتراف کرد: چون نتوانسته است از مهمانی که برایش رسیده بود، خوب پذیرایی کند و حق او را ادا نماید، دست به سرقت زده تا پولی به دست آورده و غذایی برای مهمان عزیزش فراهم آورد. پلیس به صدق گفته‌های وی پی برد و او را آزاد نمود!

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که بی دعوت به خانه‌ای رفته و غذایی بخورد، قطعه‌ای از آتش را خورده است. <sup>(2)</sup>.

غذایی که مهمان ناخوانده می‌خورد، حق زن و بچه صاحبخانه بوده است که او با ورود بی موقع خود آنها را از حقشان محروم کرده است. حق الناس فردای قیامت به صورت آتش شده و به خورد انسان داده خواهد شد.

چه بسا بسیاری از افراد که می‌خواهند به مسافرت بروند و یا دنبال کار واجبی روانه گردند، اما به خاطر رسیدن مهمان ناخوانده، از کار و زندگی عقب می‌مانند و در بعضی مواقع ضررهای جبران‌ناپذیری بر صاحبخانه وارد می‌شود.

اما اگر مهمان از قبل اطلاع داده بود میزبان او را از مشکل خود باخبر می‌کرد و مهمان می‌توانست به جای دیگری برود و یا این که میزبان برنامه خود را عوض کرده و خود را برای پذیرایی از او آماده بکند.

## حکایت درد سر بزرگ

یکی از دوستانم تعریف می‌کرد: روزی تصمیم گرفتم برای تفریح و هواخوری و صله ارحام دست زن و بچه را بگیرم و سفری به اصفهان داشته باشم، تا هم سری به فامیل بزنم و هم خستگی کار از تنم برود.

روز پنج‌شنبه تمام لوازم سفر را آماده کردیم و در صندوق عقب ماشین جا دادیم تا برای سفر به منزل برادرم که در اصفهان بود برویم، اما برای این که سرزده وارد شده باشیم، تلفنی به او نزدم و سر ساعت با هزار ذوق و شوق حرکت کردیم.

اوایل شب وارد اصفهان شدیم و مستقیم به منزل برادرم رفتیم. وقتی به آن جا رسیدیم، یکی از بچه‌ها با خوشحالی به سمت زنگ پرید و انگشت روی آن گذاشت. ماهمگی منتظر باز شدن در بودیم، اما هرچه منتظر ماندیم، خبری نشد. دوباره و سه باره زنگ زدیم، اما انگار هیچ‌کس در خانه نبود. زنگ در خانه همسایه را به صدا در آوردیم و از آنها احوال برادرم را پرسیدیم. گفتند: خانه برادرش در قم است. امروز ظهر رفته‌اند، آن جا سر بزنند.

وقتی به قضیه پی بردیم، فهمیدیم آنها هم مثل ما فکر کرده‌اند و خواسته‌اند بی خبر مهمان ما شوند!

از آن روز به بعد تصمیم گرفتیم هر جا خواستیم برای مهمانی برویم، قبلاً آنها را به وسیله تلفن یا نامه خبردار کنیم تا دچار گرفتاری نگردیم.

## فرزند خود را همراه نبرد

اگر کسی برای مهمانی دعوت شد، در صورتی که بداند میزبان فقط شخص او را دعوت کرده، حق ندارد کس دیگری را همراه ببرد حتی فرزند خود را هم نمی‌تواند همراه ببرد، در غیر این صورت گناه بزرگی را مرتکب شده است.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی برای خوردن غذا دعوت شدید، فرزند خود را همراه نبرید، زیرا این کار معصیت بوده و غذا خوردن آن بچه حرام است. <sup>(3)</sup> بچه تکلیفی نسبت به خوردن غذای حلال و حرام ندارد، اما خوردن غذای حرام علاوه بر این که اثر وضعی بر روح و روان کودک می‌گذارد، پدر آن بچه هم که او را همراه برده است، معصیت‌کار محسوب می‌شود فردای قیامت باید جوابگوی عمل خلاف شرع خود باشد.

ولی اگر می‌داند میزبان راضی است که کس دیگری را همراه خود ببرد، در این صورت همراه بردن بچه و دیگران اشکالی ندارد. معمولاً دعوت‌هایی که از طرف برادران دینی می‌شود، این نکات نیز مراعات می‌گردد.

## در مهمانی بدون اجازه غذا نخورد

اگر میزبان غریبه باشد (از برادران دینی نباشد) تا وقتی که اجازه نداده است نباید کسی چیزی بخورد، چون درست است که به طور رسمی به مهمانی دعوت شده است و بدون دعوت نیامده، اما خوردن غذا باید با اجازه باشد. اما اگر میزبان برادر دینی انسان باشد، در این صورت چون خداوند کریم اجازه داده که مؤمنان از اموال یکدیگر بخورند، می تواند بدون اجازه غذا و چیزهای دیگر بخورد.

خداوند تبارک و تعالی در این مورد می فرماید: ( وَلَا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ ۚ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا )<sup>(4)</sup> و باکی بر شما نیست که از خانه های خود و پدران خود و مادرانتان و برادران و خواهران و عمو و عمه و دایی و خاله خویش غذا تناول کنید یا آن که از هر جا که کلید آن در دست شما است یا خانه رفیق خود باکی نیست که از مجموع یاهر یک از این خانه ها طعام خورید».

محمد حلبی می گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد این آیه که خداوند می فرماید: ( لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ) پرسیدم: معنی قول خداوند که فرموده «او صدیقکم» چیست؟

حضرت فرمود: به خدا قسم! این مربوط به وقتی است که انسان به خانه برادر دینی اش می رود و بدون اجازه از غذاهای خانه او می خورد و استفاده می کند. (5)

فضل بن یونس می گوید: روزی در منزلم نشسته بودم که خادمم داخل شد و گفت: شخصی دم در منزل است که نامش موسی بن جعفر است و شما رامی خواهید.

گفتم: ای غلام! اگر این شخص همان کسی باشد که من گمان کرده ام، تو رادر راه خدا و به شکرانه این مژده آزاد می کنم.

من جلو در رفتم و دیدم امام موسی کاظم علیه السلام است. تعارف کردم و آن حضرت داخل شد. خواستم حضرت را بالای اتاق بنشانم، حضرت فرمود: ای فضل! صاحبخانه باید بالا بنشیند مگر آن که مهمان از سادات باشد. عرض کردم: شما هم که از سادات هستید. پس بفرمایید بالا بنشینید. آن گاه گفتم: فدایت شوم! غذایی برای دوستانم مهیا ساخته ام. اگر اجازه بفرمایید آن را حاضر کنم تا شما هم میل کنید.

حضرت فرمود: ای فضل! مردم از خوردن این گونه غذاها بدون دعوت به منزلی رفتن و غذا خوردن کراهت دارند، ولی من اشکالی در آن نمی بینم.

به غلام گفتم: مقدمات غذا را فراهم کن و آب و تشت برای شستن دستها بیاور. او ظرف آب را ابتدا نزد حضرت آورد، ولی آقا فرمود: هر چیزی حدی دارد.

عرض کردم: حد این کار چیست؟

فرمود: این است که ابتدا صاحبخانه دستهایش را بشوید تا مهمانان نشاط پیدا کنند و با بسم الله شروع کرده و به حمد خدا ختم کند. (6)

به خاطر دوری راه از پذیرش دعوت سرباز نزنند

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: اگر مرا برای خوردن غذا به محلی که مسافتی طولانی با مدینه دارد، دعوت کنند، قبول می کنم. (7)

به خاطر روزه مستحبی دعوت برادر مؤمنش را رد نکند

امام جعفر صادق ع می فرماید: روزه داری که بر برادر دینی اش وارد شود و در نزد او غذا بخورد و از روزه خود به او چیزی نگوید و بر او منت نگذارد، خداوند ثواب روزه یک سال را برای او ثبت می فرماید. (8)

روزه ای که در این روایت شریفه اجازه خوردن آن داده شده، روزه مستحبی است، چون روزه واجب را نمی توان باطل کرد، مگر این که واجب موسع باشد.

جایی که غذایش حرام یا شبهه ناک است، نرود

خوردن غذای حرام، علاوه بر این که عذاب اخروی دارد، در دنیا نیز اثر وضعی بر جای می گذارد و انسان را از خدا دور می کند.

هدف از مهمانی دادن و به مهمانی رفتن، نزدیکی به خدا و جلب رضایت او است، اما اگر این مهمانی به علت حرام بودن غذای میزبان موجب دوری انسان از خدا و استحقاق غضب او شود، فایده ندارد و کسی نباید به خاطر انجام یک عمل مستحبی، مرتکب عملی حرام گردد.



### بدون دلیل، دعوت برادرش را رد نکند

رسول گرامی اسلام ﷺ می فرماید: عاجزترین مردم کسی است که برادردینی اش او را دعوت به مهمانی کند و او بدون دلیل و از روی هوای نفس دعوت او را قبول نکند. (9) .

### فرقی بین مهمانی رفتن به خانه فقرا و اغنیا نگذارد

مهمانی رفتن ثواب دارد، اما برتری بین فقرا و اغنیا نیست؛ یعنی این طور نیست که مهمانی در خانه اغنیا ثوابش بیشتر و در خانه فقرا کمتر باشد و یا مهمانی در خانه فقرا ثوابش بیشتر باشد.

روزی امام حسن مجتبیٰ علیه السلام به عده ای از فقرا برخورد کرد، در حالی که پاره نانی در پیش داشتند و می خوردند.

وقتی چشمشان به امام حسن علیه السلام افتاد، گفتند: یابن رسول الله! بفرما با ما غذا میل کن!

حضرت از اسب فرود آمد و در خوردن با آنها همراهی کرد و فرمود: خدای متعال متکبران را دوست ندارد، و بعد از غذا فرمود: فردا شما نیز دعوت مرا اجابت کنید و به مهمانی من بیایید.

روز بعد حضرت برای آنها غذایی نیکو آماده کرد و همراه آنها در منزل خود غذا میل فرمود. (10) .

## دعوت شخص منت‌گذار را نپذیرد

اگر مهمان می‌داند میزبان بر وی منت خواهد نهاد، از اجابت دعوت خودداری کند، زیرا با پذیرش دعوت او، در آینده پشیمانی به بار خواهد آمد. و نیز اگر کسی به خاطر مهمانی دادن از انسان انتظاراتی داشته باشد و به تعبیری به او رشوه بدهد تا برای او کاری غیر قانونی انجام دهد، نباید دعوت او را قبول کند.

## در مجلس مهمانی از برادر دینی اش غیبت نکند

یکی از جاهایی که معمولاً در غیبت‌باز می‌شود و غیبت نقل مجلس می‌گردد، هنگام مهمانی است. در این جا است که مؤمن باید جلو خود را بگیرد تا از دیگران غیبت نکند و اگر در آن مجلس از کسی غیبت شد، جلوگیری و نهی از منکر کند.

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: هر کس نزد او از برادر مؤمنش غیبتی بشود و وی از او دفاع بنماید و یاریش کند، خداوند او را در دنیا و آخرت نصرت نماید و هر کس نزد او غیبت برادر مؤمنش بشود و او را نصرت و یاری نکند و از او دفاع ننماید با این که قدرت آن را داشته باشد که از او پشتیبانی کند و با این حال ترک کند، خداوند او را در دنیا و آخرت ناچیز و حقیر می‌گرداند. <sup>(11)</sup>

اگر می‌تواند از غیبت دیگران جلوگیری کند، باید آن کار را انجام دهد و گرنه باید مجلس را به عنوان اعتراض ترک کند تا غیبت را نشنود.

## به اهل خانه سلام کند

سلام کردن یک سنت الهی است که خداوند عزیز در قرآن کریم بر آن تاکید کرده و خود نیز بارها به پیامبران و شهدا سلام کرده و به ما نیز دستور داده است: وقتی به خانه کسی وارد می‌شوید، به اهل خانه سلام کنید: ( **فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ**)<sup>(12)</sup> و هر گاه بخواهید به خانه‌ای داخل شوید خست‌برخود سلام کنید که این تحیت و سلام برکتی نیکو از جانب خدا است». رسول خدا ﷺ می‌فرماید: کسی که داخل خانه شود، سلام کند که سبب برکت می‌شود و ملائکه در آن خانه انس می‌گیرند.<sup>(13)</sup>

پی‌نوشتها:

- 1) نور (24) آیه 27 .
- 2) کیمیای سعادت ، ص 230 .
- 3) وسائل الشیعه ، ج 19 ، ص 11 ، ح 1 .
- 4) نور (24) آیه 61 .
- 5) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 434 ، ح 1 .
- 6) بحار الانوار ، ج 17 ، ص 200 .
- 7) قرب الاسناد ، ص 163 .
- 8) بحار الانوار ، ج 17 ، ص 206 .
- 9) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 428 ، ح 9 .
- 10) کیمیای سعادت ، ص 237 ، با کمی تصرف .
- 11) عقاب الاعمال ، ص 570 .
- 12) نور (24) آیه 61 .
- 13) حلیة المتقین ، ص 223 .

## بخش ششم: مدت مهمانی

هر کاری حد و اندازه‌ای دارد که اگر از حد خود بگذرد، دیگر زشت و ناپسند خواهد شد؛ مثلاً غذا خوردن در هنگام گرسنگی کاری است خوب و پسندیده، اما اگر تبدیل به پرخوری شود، ناپسند خواهد بود. در عبادات نیز این طور است؛ اگر عبادت از حد خود گذشت، اسلام از آن نهی کرده است؛ یعنی طوری شد که تمام کار و زندگی انسان عبادت کردن باشد، چون این کار موجب ضربه زدن به خانواده می‌شود.

مهمانی رفتن نیز مانند سایر اعمال واجب و مستحب، کاری بسیار خوب و خداپسند است و مورد سفارش ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد که انسان باید برادر دینی‌اش را به مهمانی دعوت کند و خود نیز به مهمانی برود.

اما حد و اندازه مهمانی چقدر است و انسان تا چند روز مجاز است در خانه برادر دینی‌اش بماند؟ آیا تا هر وقت که دلش خواست می‌تواند در آن جا بماند و هر وقت خواست، برگردد؟ آیا اسلام حد و اندازه‌ای برای مهمانی رفتن تعیین کرده است؟

## مهمانی سه روز است

دین مقدس اسلام برای مهمانی نیز مانند سایر کارها، مدت معینی راتعیین کرده و گفته است مؤمنان تا این مدت می‌توانند بدون ایجاد مزاحمت و با آرامش در خانه برادر دینی‌شان بمانند، و بعد از این مدت باید برای خودفکری کنند و به عنوان مهمان نمی‌توانند در آن جا بمانند و گرنه سربار دیگران خواهند بود.

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: اندازه و مدت مهمانی سه روز است. پس هر چه بیشتر از سه روز بماند، صدقه برای صاحبخانه محسوب می‌شود. <sup>(1)</sup>

از این روایت استفاده می‌شود نهایت مهمانی سه روز است و بیشتر از سه روز مانند صدقه‌ای است که صاحبخانه به مهمان می‌دهد، که اگر مستحق نباشد، نباید از صدقه استفاده کند، زیرا صدقه مال فقرا و مستمندان است.

### لطیفه: مهمان چهل روزه

روزی ظریفی به مهمانی دوستش رفت و سه شبانه روز در خانه او ماند. صاحبخانه از دست مهمان به تنگ آمد و به زن خود گفت: من دیگر خسته شده‌ام. این مرد تا کی می‌خواهد این‌جا بماند؟!

زن جواب داد: من هم مثل تو خسته شده‌ام، اما ناراحت نباش! الآن معلوم می‌کنم تا چه مدت این‌جا می‌ماند.

زن نزد مهمان آمد و گفت: ای مهمان عزیز! تو را به آن خدایی که تو راسه شبانه روز مهمان ما گردانید و فردا روزی تو را در جای دیگر خواهد داد، قسم می‌دهم چون شوهرم بر من جفا می‌کند، او را نصیحت کنی تا سر عقل بیاید و مرا اذیت و آزار نرساند!

در این اثنا شوهر نیز وارد شد و در کنار زن جای گرفت.

مهمان روی به شوهر زن کرد و گفت: ای رفیق عزیز! تو را به آن خدایی که در این چهل روز مرا مهمان شما ساخته و روزی مرا بر خوان احسان شمانوشته، قسم می‌دهم از این به بعد بر زن جفا نکنی. (2).

### زیاد در خانه میزبان نماند

متأسفانه بعضی از مؤمنان وقتی به مهمانی دوست و یا فامیل خود می‌روند، آن‌قدر آن‌جا می‌مانند که صاحبخانه مجبور می‌شود تمام حقوق یک ماهه خود را برای آنها خرج کند و در عین حال از مغازه قرض گیرد و چیزی از حقوق او باقی نمی‌ماند که کمبودهای خانواده‌اش را تأمین کند، در حالی که تمام خانواده

اعم از زن و بچه‌ها از آن حقوق ماهیانه حقی دارند و مرد باید ادای حقوق آنها را بکند، و با وجود مهمان چیزی باقی نمی‌ماند.

دین اسلام از این عمل بسیار زشت‌شدیدا نهی کرده و دستور داده است آن‌قدر در خانه دوست خود نمانید که به رنج و زحمت بیفتند.

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: مهمانی سه روز است، و بعد از سه روز صدقه‌ای است که برای صاحبخانه نوشته می‌شود. کسی حق ندارد به‌عنوان مهمان بر برادر دینی خود وارد شود تا آن‌که او را با خودش به گناه اندازد.

یکی از اصحاب پرسید: ای رسول خدا! چگونه به گناهش اندازد؟  
حضرت فرمود: تا آن‌که چیزی برایش نماند که با آن زندگی کند. (3)

### لطیفه مهمان پر رو

مردی به منزل یکی از اقوامش رفت و آن‌قدر در آن‌جا ماند که صاحبخانه به ستوه آمد و خسته شد.

روزی صاحبخانه به او گفت: چون اقامت شما در این‌جا طول کشیده، ممکن است عیال و بچه‌های شما نگران شوند و فکر کنند برای شما اتفاقی افتاده است. بهتر است سری به آنها بزنم.

مهمان پر رو گفت: بله، اتفاقاً امروز خود من هم به همین فکر افتادم که ممکن است خانواده نگران شوند، و به همین جهت به آنها نامه نوشتم تا همگی به این‌جا بیایند! (4)

## میزبان را فراری ندهد

رسول اکرم ﷺ می فرماید: «مهمانی سه روز و کمتر از سه روز است، و هیچ مسلمانی حق ندارد آن قدر مهمان برادرش شود که او را فراری دهد!».

یکی از اصحاب پرسید: چگونه او را فراری می دهد؟!

فرمود: «وقتی دیگر هیچ چیزی برای خوردن نداشته باشد، از خانه فراری می شود». (5) .

این همه سفارشی که در اسلام برای پذیرایی از مهمان شده که انسان باید به او خدمت کند، نگذارد به مهمان سخت بگذرد، مخصوص این سه روز است؛ یعنی در این سه روز مهمان است و باید با او مانند مهمان رفتار شود، اما وقتی از سه روز گذشت، باید با او مانند یکی از اهل خانواده رفتار شود و هر چه برای زن و بچه فراهم می شود و در خانه موجود است، برای مهمان نیز بیاورند و وی نیز نباید انتظار پذیرایی بیشتر از آن ردا داشته باشد.

رسول گرامی اسلام ﷺ می فرماید: مهمان دو شب می تواند در خانه میزبان بماند و وقتی شب سوم شد (سه روز گذشت) او نیز یکی از اهل خانه محسوب می شود و هر چه گیرش آمد، باید بخورد و انتظار پذیرایی بیشتر را نباید داشته باشد. (6) .



## بیشتر از سه روز را کار کند

اگر مهمانی از سه روز گذشت و به هر دلیل مهمان نتوانست برود، وظیفه دیگری بر عهده‌اش می‌آید و آن این‌که، او باید در عوض مدتی که در منزل صاحبخانه می‌ماند، برای آنها کار کند و یا در کارهای خانه کمک کند. و اگربرایش ممکن نبود، باید دنبال کار بگردد و به این وسیله پولی به دست آورده و برای خود و اهل آن خانواده غذا تهیه کند.

متأسفانه بعضی از افراد به عادت بدی مبتلا شده‌اند و آن این‌که وقتی به مهمانی کسی می‌روند، بدون توجه به درآمد آن خانواده، یک هفته، دو هفته و حتی یک ماه می‌مانند، غذای آماده میل می‌کنند و به تعبیری خوش می‌گذرانند، بدون این‌که کوچک‌ترین کمکی به آن خانواده کنند.

## حکایت کار کردن به جای خوردن صدقه

از جمله کسانی که در زمان حکومت هارون الرشید فراری شد و خود را پنهان کرد، قاسم بن موسی بن جعفر علیه السلام است که از ترس جان خویش به طرف شرق متواری گشت.

روزی در کنار فرات راه می‌رفت. چشمش به دو دختر کوچک افتاد که بایکدیگر بازی می‌کردند. یکی از آنها برای اثبات ادعای خود گفت: نه، این طور نیست به حق امیر، صاحب بیعت در روز غدیر!

قاسم جلو رفت و پرسید: منظورت از امیر کیست؟

دختر گفت: مرادم ابوالحسن پدر امام حسن و امام حسین علیه السلام است.

قاسم خشنود شد که به محل دوستان اجداد خود رسیده است. از این

روگفت: دختر خانم! آیا مرا نزد رئیس قبیله راهنمایی می‌کنی؟

دختر جواب داد: آری، اتفاقاً پدر خودم رئیس قبیله است. دختر از جلورفت

و قاسم هم از پشت سر حرکت کرد. قاسم خود را به پدر دختر معرفی کرد.

قاسم سه روز با کمال احترام و پذیرایی شایسته به عنوان مهمان در آن جا ماند.

روز چهارم پیش رئیس قبیله رفت و گفت: شنیده‌ام از کسی که پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مهمان بودن سه روز است، و بعد از آن هرچه بخورد، از باب

صدقه و انفاق خواهد بود. به این جهت دوست ندارم از صدقه استفاده کنم. تقاضا

دارم مرا به کاری واداری که مشغول آن شوم تا آنچه می‌خورم، صدقه نباشد.

شیخ گفت: بعدا کاری که در شان تو باشد برایت تهیه می‌کنم. ولی

قاسم درخواست کرد آب دادن به مجلس خود را به او واگذارد.

شیخ پذیرفت و آن کار را به او محول کرد.

مدتی قاسم در آن جا به همین کار اشتغال داشت، تا این که نیمه شبی پیرمرد از اتاق بیرون رفت. قاسم را دید که در دل شب به پیشگاه پروردگاردست نیاز دراز کرده و با توجه مخصوصی غرق مناجات است و هیچ چیز او را به خود مشغول نمی کند.

از دیدن حال قاسم محبتی از او در دلش جای گرفت. صبح که شد، بستگان خود را جمع کرد و گفت: می خواهم دخترم را به این مرد صالح و پرهیزگار تزویج کنم. همه قبول کردند و شیخ دختر خود را به ازدواج او درآورد. خداوند به قاسم دختری عنایت کرد. آن بچه دوران کودکی را تا سه سالگی گذراند. در این موقع قاسم مریض شد و بیماریش شدید گردید.

روزی شیخ بالای سر قاسم نشست. از خانواده و فامیل او سؤال کرد و قاسم جواب هایی داد که شیخ را وادار به کنجکاوی بیشتر کرد و متوجه قسمتی از جواب های قاسم شد.

پیرمرد پرسید: فرزندم! شاید تو هاشمی باشی؟  
قاسم گفت: بله، من قاسم بن موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام هستم.  
پیرمرد بر سر و صورت خود زد و گفت: چقدر پیش پدرت موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام شرمنده شدم از این که تو را به کار گرفتم.  
قاسم پوزش خواست و جواب داد: تو مرا گرامی داشتی و از من پذیرایی کردی. ان شاء الله با ما در بهشت خواهی بود.  
قاسم بعد از این که وصیت های خود را کرد و از همه حلالیت طلبید، دختر خود را به پیرمرد سپرد و رحلت کرد.  
شیخ نیز دختر قاسم را به مادر بزرگش رساند و او را تحویل داد. (7)

پی نوشتها:

- (1) مستدرک الوسائل ، ج 16 ، ب 32 ، ص 255 .
- (2) حکایتها و لطیفهها ، ص 50 ، با اندکی تصرف .
- (3) فروع کافی ، ج 6 ، ص 283 ، ح 2 .
- (4) گنجینه لطایف ، ص 425 ، با اندکی تصرف .
- (5) مستدرک الوسائل ، ج 16 ، ب 32 ، ص 255 .
- (6) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ب 36 ، ص 456 .
- (7) شجره طوبی ، ص 210 ، با اندکی تصرف .

بخش هفتم: چه کسی را به مهمانی دعوت کنیم؟ چه موقع مهمانی

بدهیم؟

ثوابی که از مهمانداری نصیب انسان می‌شود، مراتب آن مختلف است. هر مرتبه‌ای ثواب مخصوص به خود را دارا است و این‌طور نیست که ماهر کس را که دلمان خواست و به مهمانی دعوت کردیم، ثواب کامل مهمانداری را برده باشیم.

دعوت کردن افراد نیز فرق می‌کند یعنی باید افراد را با اولویت به مهمانی دعوت کرد که مراتب آن در روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام ذکر گردیده است.

#### ابتدا خویشان و نزدیکان را دعوت کند

صله رحم یکی از دستوره‌های دین اسلام است. هر مؤمنی وظیفه دارد با فامیل خود رفت و آمد کند و با آنها قطع رابطه ننماید، زیرا قطع صلّه رحم جزو محرمات است که خداوند تبارک و تعالی به قطع‌کننده صلّه رحم وعده عذاب داده است.

یکی از مواردی که نزدیکان اولویت دارند، دعوت به مهمانی است. انسان باید اول فامیل‌های خود را چه سببی و چه نسبی دعوت کند، بعدنوبت به افراد دیگر می‌رسد. این کار موجب رضایت خداوند عزیز می‌گردد و نیز آدمی به وظیفه انسانی خود که دعوت به مهمانی است، عمل کرده است.

البته در بین فامیل اولویت با کسانی است که متدین تر باشند، اگر کسی فامیلی دارد که متدین نیست، حق ندارد اول او را دعوت کند، بلکه باید ابتدا مؤمنان و برادران دینی خود را دعوت کند و بعد نوبت به آن شخص می‌رسد.

### دعوت کردن شیعیان

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر من یکی از شیعیان خود را به مهمانی دعوت کنم، بهتر است در نزد من که افقی از مردم را اطعام کنم. راوی می‌گوید: از حضرت پرسیدم: افق چقدر است؟ فرمود: یکصد هزار نفر از مردم. <sup>(1)</sup>

در این زمان که تمامی قدرت‌های شیطانی علیه شیعیان قیام کرده‌اند و به هر وسیله قصد ضربه زدن به اسلام ناب محمدی را دارند، بر ما شیعیان لازم است هرچه بیشتر به هم نزدیک شویم، با هم رفت و آمد داشته باشیم، تا اتحاد میان ما زیادتر شود و در نتیجه نقشه دشمنان از بین برود. از جمله کارهایی که می‌شود برای جلوگیری از این‌گونه تهاجمات به کار گرفت، مهمانی است. ما با دعوت کردن یکدیگر و به مهمانی رفتن می‌توانیم بیشتر با هم انس بگیریم و با بررسی توطئه‌ها و راه مبارزه با آنها، جلو آنها را بگیریم و موجب سرفرازی بیشتر اسلام گردیم.

## افراد متقی و متدین

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: با کسی جز مؤمن مصاحبت نکن و کسی را جز افراد متقی به غذایت دعوت ننما. (2)

## برادران دینی

رسول گرامی اسلام ﷺ می فرماید: کسی که او را به خاطر خدا دوست داری، به مهمانی دعوت کن. (3)

مراد از برادران دینی تمام مسلمانان است؛ اعم از شیعه و سنی، اگر چه دعوت شیعیان اولویت دارد.

از جمله وصایای پیامبر اکرم ﷺ به ابوذر این است: غذایت را به کسی بخوران که او را به خاطر خدا دوست داری، و غذای کسی را بخور که تو را برای خدا دوست دارد. (4)

## بین فقیر و غنی فرق نگذارد

کسی که مهمانی می‌دهد و مردم را دعوت می‌کند، اگر کارش فقط به خاطر خدا و جلب رضایت او باشد، نباید بین فقیر و غنی فرق بگذارد، چون در نزد خدا هیچ فرقی بین فقیر و غنی وجود ندارد. همه در نزد او برابرند و ترجیح باکسانی است که با تقواترند.

اگر دعوت کردن منحصر به این شد که یا اغنیا را دعوت کند و یا فقرا را، باید فقرا را ترجیح دهد و آنها را دعوت نماید.

ضیافتی که در آن توانگران باشند شکنجه‌ای است فقیران بی‌بضاعت

را

«صائب تبریزی».



## دعوت افراد گناهکار و فاسق را نپذیرد

پذیرفتن دعوت افراد فاسق یعنی رضایت دادن به اعمال ناشایست آنها و شریک جرم آنها بودن، لذا در دستوره‌های دینی ما آمده است دعوت فساق را نپذیریم و خود را از آنها دور بداریم.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: غذای افراد فاسق و گناهکار را نخور<sup>(5)</sup> [به مهمانی آنها نرو].

و نیز پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: خداوند مرا از زاد و توشه مشرکان و منافقان و همچنین از خوردن غذای آنها نهی کرده است.<sup>(6)</sup>

این در صورتی است که شرکت مؤمن در مهمانی فاسق موجب جرات پیدا کردن فاسق بر گناه باشد، اما اگر شرکت در مهمانی او موجب شود دیگران دست از گناه بکشند و با وجود شخص مؤمن کسی جرات گناه پیدا نکند، در این صورت بر افراد مؤمن لازم است در مهمانی شرکت کنند و به این وسیله آنها را نهی از منکر کنند، همان‌طور که پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام در مجالس فساق شرکت می‌کردند و در حین مهمانی مردم را امر به معروف و نهی از منکر می‌نمودند.

## در مهمانی‌های لُهو و لعب شرکت نکند

بعضی از مهمانی‌ها فقط برای خوشگذرانی و لُهو و لعب، رقص و پایکوبی است و هیچ‌گونه قصد قربتی در کار نیست. در این‌طور مهمانی‌ها هرچند ممکن است به‌عنوان قربت آن را ترتیب داده باشند اما چون در آن مجلس مخالفت‌اوامر الهی می‌شود و گناه انجام می‌گیرد، مؤمنان حق ندارند شرکت کنند. گوش دادن به موسیقی مطرب هرچند که در حین عروسی و مراسم شادی باشد، حرام است. خوردن غذای حرام و شبهه ناک حرام است، غذا خوردن در مکان و ظرف غصبی حرام است و مؤمنان باید خود را از این‌طور مجالس دور نگه دارند.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: سزاوار نیست مؤمن در مجلسی شرکت کند که گناه در آن می‌شود و او قدرت تغییر آن مجلس و جلوگیری از آن را ندارد. (7) .

## موقع مهمانی

مهمانی و غذا دادن به دیگران در هر حال کار خوب و خداپسندی است و اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد، اما مهمانی‌های عمومی که مخارج نسبتاً سنگینی دارد، مخصوص زمان‌های خاصی است که ائمه اطهار علیهم‌السلام آنها را برای ما بیان کرده‌اند.

## مهمانی در عروسی

یکی از جاهایی که سفارش شده است دیگران را به مهمانی دعوت کنیم، هنگام عروسی و ازدواج است. ائمه اطهار علیهم‌السلام خود به این سنت الهی عمل می‌کردند و در مهمانی‌هایی که هنگام عروسی برگزار می‌شد، شرکت می‌کردند.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: بدان که مؤمنان را طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح (ازدواج) سنت است. <sup>(8)</sup>

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: طعام دادن در وقت تزویج از سنت پیغمبران است. <sup>(9)</sup>

به غذایی که در عروسی داده می‌شود، «ولیمه» می‌گویند. ولیمه یکی از سنت‌های حسنه پیامبران است، که سزاوار است مؤمنان مخصوصاً فقرا را برای خوردن غذا دعوت کنند. بر مؤمنان نیز لازم و مستحب مؤکد است دعوت را بپذیرند، هر چند روزه مستحبی گرفته باشند.

ولیمه حد و اندازه‌ای ندارد، بلکه همین که اسم ولیمه بر آن صدق کند، از حیث کمیت و کیفیت کافی است.

### مهمانی دادن هنگام بازگشت از حج و سفر

یکی از مواردی که مهمانی دادن مستحب است، هنگام بازگشت از سفر پیر فیض و برکت حج و خانه خدا است. بر مؤمنان لازم است به شکرانه این نعمت بزرگ که نصیب آنها شده است، در راه خدا صدقه بدهند و فقرا و مؤمنان را به مهمانی دعوت کنند و آنها را طعام دهند.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: ولیمه دادن در پنج چیز است: عروسی، تولد فرزند، ختنه کردن اولاد، خرید خانه و بازگشت از سفر حج. <sup>(10)</sup>.

## اطعام برای ساختن خانه

از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است: یکی از سعادت‌های مرد در دنیا این است که خانه وسیعی داشته باشد. وقتی این نعمت بزرگ نصیب کسی شد، مستحب است ولیمه بدهد و مؤمنان را به طعام دعوت کند.

امام جعفر صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که خانه‌ای را برای خود بسازد و گوسفند چاقی را قربانی کند و از گوشت آن به بینوایان اطعام دهد و بگوید: «اللهم ادحر عنی مردة الجن و الانس و الشیاطین و بارک لی فی بنائی»؛ <sup>(11)</sup> پروردگارا! دیوان متمرّد و آدمیان نافرمان و شیاطین را از من دور ساز و این خانه را بر من مبارک گردان. آنچه خواسته است بدو عنایت می‌شود.

## اطعام هنگام تولد فرزند و ختنه اولاد

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ولیمه در چهارچیز است: عروسی و هنگام تولد فرزند که برای او عقیقه می‌کنند و به مردم طعام می‌دهند و هنگام ختنه کردن فرزند و هنگام بازگشت از سفر. <sup>(12)</sup>

---

بی‌نوشتها:

(1) بحار الانوار، ج 3، ص 84.

(2) همان، ج 3، ص 84.

(3) کنز العمال، ح 25881.

(4) بحار الانوار، ج 3، ص 85.

(5) مکارم الاخلاق، ص 466.

- 6) المحاسن ، ص 411 .
- 7) جامع السعادات ، ج 2 ، ص 155 .
- 8-9) حلية المتقين ، ص 69 .
- 10) منهاج الاحكام ، ج 1 ، ص 13 .
- 11) ثواب الاعمال ، ص 412 .
- 12) بحار الانوار ، ج 76 ، ص 287 ، ح 3 .

## منابع و مأخذ

1. قرآن کریم.
2. آثار و اشعار شیخ بهائی، شیخ بهائی، جلد دوم، انتشارات ارم، قم، 1374.
3. اصول کافی، شیخ کلینی، انتشارات مسجد چهارده معصوم، تهران، بی تا.
4. بحار الانوار، ملا محمد باقر مجلسی، جلد دوم، انتشارات مطبعة الاسلامیه، تهران، 1405ق.
5. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ابن بابویه، تهران، 1402ق.
6. جامع السعادات، محمد مهدی نراقی.
7. جوامع الحکایات، سدیدالدین محمد عوفی، جلد پنجم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
8. جامع الاخبار، تاج الدین محمد بن محمد الشعیری، چاپ اول، آل البيت، قم، 1414ق.
9. چهل حدیث قدسی، گردآورنده حاج سید احمد کتابچی، چاپ تهران، بی تا.
10. حکایات برگزیده، گردآورنده شعبانعلی لامعی، جلد اول، چاپ صدر، قم، 1370.
11. حکایتها و لطیفهها، جواد سبزه‌ای، چاپ اول، انتشارات ناس، تهران، 1368ش.
12. حکایت‌های شنیدنی، محمد محمدی اشتهاردی، چاپ اول، انتشارات علامه، قم، 1371.

13. حلية المتقين، ملامحمد باقر مجلسي، چاپ سوم، انتشارات باقرالعلوم،  
1370.
14. زينة المجالس، مجدالدين محمد الحسيني، چاپ دوم، كتابخانه سنایی،  
1362.
15. شجره طويي، محمد مهدي حائري، مكتبة بصيري، چاپ پينجم، قم،  
1385ق.
16. علل الشرائع، شيخ صدوق.
17. فروع كافي، شيخ كليني، چاپ سوم، دارالكتب الاسلاميه، تهران،  
1388ق.
18. قرب الاسناد، ابوالعباس عبد الله بن جعفر الحميري، چاپ اول، آل البيت،  
قم، 1413ق.
19. كنز العمال، علاءالدين علي بن حسام الدين، چاپ اول، بيروت، 1389.
20. كيميای سعادت، محمد غزالي طوسي، تهران، چاپ دوم، نشر محمد،  
1413ق.
21. گنجينه لطايف، م - فرداده، چاپ هفتم، انتشارات بنياد، تهران، 1372.
22. لطائف المعارف، ابومنصور عبدالملك، انتشارات آستان قدس رضوي،  
مشهد، 1368.
23. مجمع البيان، ابوعلی فضل بن الحسن الطبرسي، چاپ دوم، بيروت،  
1408.
24. المحاسن، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد البرقي، قم، چاپ اول، اهل  
البيت، 1413.



25. مستدرک الوسائل، حاج میرزا حسین نوری، چاپ اول، آل البيت، قم،  
1407.
26. مکارم الاخلاق، علامه مرحوم طبرسی، چاپ اول، النشر الاسلامی، قم،  
1414.
27. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، چاپ اول، دارالحدیث، قم.
28. نهج البلاغه، سید شریف رضی (ترجمه: دکتر شهیدی)، چاپ ششم،  
انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1373.
29. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، بیروت، چاپ پنجم، دار احیاء التراث  
العربی، بیروت، 1402.

## فهرست مطالب

2	مقدمه .....
5	بخش اول: فضیلت مهمانداری .....
6	حکایت میزبانی حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....
7	پذیرفتن دعوت مؤمنان .....
8	حکایت دعوت به دین در مهمانی .....
9	نشانه ایمان است .....
10	حکایت ملکشاه و روستایی .....
12	ثواب مهمانداری نزد خدا .....
12	حکایت مهمان‌نوازی بادیه نشین .....
15	مهمانداری در جوامع مختلف .....
17	عمل کردن به وصیت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> است .....
18	مذمت خانه‌ای که مهمان در آن وارد نشود .....
20	بخش دوم ثمرات مهمانداری .....
21	درخشش صورت .....
22	بخشیده شدن گناهان و نزول نعمت .....
24	حکایت زنی که مخالف مهمان بود .....
28	مهمان راهنمای بهشت است .....
29	جهنم بر او حرام می‌گردد .....
29	برابر با سیر کردن یکصد هزار نفر است .....
30	برابر با نجات دادن چهارتن از اولاد اسماعیل از اسارت است .....
30	مهمان‌نوازی در بهشت .....

- 30 ..... سیر کردن یک مؤمن بهتر از سیر کردن ده مسکین است
- 31 ..... یکی از نشانه‌های ایمان است
- 32 ..... حکایت کریم‌تر از حاتم طایی
- 33 ..... دشمنی‌ها را تبدیل به دوستی می‌کند
- 33 ..... حکایت عادت ملک کرمان
- 35 ..... مهمان‌نواز در امنیت است
- 36 ..... برابر با آزاد کردن یک بنده در راه خدا است
- 37 ..... در خانه او برکت می‌آید
- 39 ..... بخش سوم: وظایف میزبان
- 40 ..... به کار نگرفتن مهمان
- 42 ..... غذا خوردن با مهمان
- 43 ..... حکایت غذا خوردن حضرت علی علیه السلام با مهمانانش
- 46 ..... غذا را هر چه زودتر برای مهمان آماده کند
- 47 ..... خود را به زحمت نیندازد
- 48 ..... حکایت پذیرایی اعرابی از خلیفه
- 50 ..... حکایت مهمانی دادن دو دوست
- 52 ..... نباید از مهمان پرسید غذا خورده است یا نه
- 53 ..... حکایت عرب جوانمرد
- 55 ..... حکایت مهمانی کریمان
- 56 ..... بدرقه کردن مهمان تا در منزل
- 57 ..... یاری کردن مهمان به هنگام آمدن
- 58 ..... حکایت استقبال و بدرقه عجیب
- 59 ..... قدرت مهمانی دادن را داشته باشد
- 60 ..... آماده کردن غذای مورد علاقه مهمان

- 61 ..... حفظ کردن آبروی مهمان
- 61 ..... خدمت کردن به مهمان
- 62 ..... حکایت مهمانان علی عليه السلام
- 64 ..... آمادگی دایم برای پذیرایی از مهمان
- 65 ..... حکایت مهمانی با مغز استخوان
- 66 ..... دل و زبانش یکی باشد
- 67 ..... لطیفه تعارف بی جا
- 68 ..... طعنه نزدن به مهمان
- 69 ..... حکایت مهمانی ابراهیم عليه السلام و بت پرست
- 70 ..... دفاع کردن از مهمان
- 71 ..... مهمانی دادن برای فخر فروشی نباشد
- 73 ..... بخش چهارم: وظایف مهمان
- 73 ..... تقاضای دشوار از میزبان نکند
- 74 ..... حکایت درخواست بی جا
- 76 ..... از غذای میزبان به قدر کافی بخورد
- 78 ..... غذای میزبان را کم نشمارد
- 79 ..... برای میزبان ایجاد مزاحمت نکند
- 80 ..... حکایت مهمان ماندگار
- 81 ..... به نوع غذا اهمیت ندهد
- 82 ..... به میزبان خیانت نکند
- 83 ..... حکایت حق نان و نمک
- 85 ..... هر جا صاحبخانه اشاره کرد، بنشیند
- 85 ..... به نامحرم نگاه نکند
- 86 ..... در وقت معین و مقرر حاضر شود

87	بدون اجازه میزبان روزه مستحبی نگیرد
88	برای میزبان دعا کند
88	اسرار میزبان را حفظ کند
90	بخش پنجم: آداب مهمانی
90	بدون اطلاع قبلی به مهمانی نرود
91	دزدی برای مهمان
92	حکایت درد سر بزرگ
93	فرزند خود را همراه نبرد
94	در مهمانی بدون اجازه غذا نخورد
96	به خاطر دوری راه از پذیرش دعوت سرباز نزنند
96	به خاطر روزه مستحبی دعوت برادر مؤمنش را رد نکند
96	جایی که غذایش حرام یا شبهه ناک است، نرود
97	بدون دلیل، دعوت برادرش را رد نکند
97	فرقی بین مهمانی رفتن به خانه فقرا و اغنیا نگذارد
98	دعوت شخص منت گذار را نپذیرد
98	در مجلس مهمانی از برادر دینی اش غیبت نکند
99	به اهل خانه سلام کند
100	بخش ششم: مدت مهمانی
101	مهمانی سه روز است
102	لطیفه: مهمان چهل روزه
102	زیاد در خانه میزبان نماند
103	لطیفه مهمان پر رو
104	میزبان را فراری ندهد
105	بیشتر از سه روز را کار کند

106	..... حکایت کار کردن به جای خوردن صدقه
109	..... بخش هفتم: چه کسی را به مهمانی دعوت کنیم؟ چه موقع مهمانی بدهیم؟
109	..... ابتدا خویشان و نزدیکان را دعوت کند
110	..... دعوت کردن شیعیان
111	..... افراد متقی و متدین
111	..... برادران دینی
112	..... بین فقیر و غنی فرق نگذارد
113	..... دعوت افراد گناهکار و فاسق را نپذیرد
114	..... در مهمانی‌های لهو و لعب شرکت نکند
115	..... موقع مهمانی
115	..... مهمانی در عروسی
116	..... مهمانی دادن هنگام بازگشت از حج و سفر
117	..... اطعام برای ساختن خانه
117	..... اطعام هنگام تولد فرزند و ختنه اولاد
119	..... منابع و مآخذ
122	..... فهرست مطالب